

# پیام نهادهای همبستگی

## به هفتمین کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل سازی جهان در مونیخ

ما فعالین نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران با نهایت خوشوقتی برگزاری این کنفرانس مهم را به شما کارگران شرکت کننده از سراسر جهان تبریک می‌گوئیم.

متأسفانه تلاش‌های چند ماهه ما برای اعزام یک نماینده از بخش خودروسازان ایران برای شرکت در این کنفرانس به علت اختناق حاکم در ایران و نگرانی از پی‌آمدهای آن به نتیجه نرسید.

کارگران ایران کماکان از حق تشکل و اعتصاب برخوردار نیستند. رژیم اسلامی سرمایه وحشیانه به هر اعتراض و اعتصاب کارگران حمله ور می‌شود.

کارگران و زحمتکشان در شرایط بد اقتصادی و با بیکاری رو به افزایش روبرو هستند و از امنیت شغلی، بیمه بیکاری و اجتماعی بی بهره‌اند. کارگران در ایران هیچگاه در طول این سالها دست از اعتراض و اعتصاب برنداشته و بیوقفه برای منافع و مطالبات خود میکوشند.

در اول ماه مه امسال در ایران به اشکال مختلف مراسمها و گردهمایی بمناسبت اول مه برگزار شد و بخشی از مراکز صنعتی و محلهای کار، کارگران جسورانه دست از کار کشیده تا بتواند هم اول ماه را جشن گرفته و هم در مورد خواسته‌ها و مطالباتشان با هم به بحث و گفتگو بپردازند.

کارگران ایران فقط به نیروی خود و به همبستگی و حمایت هم طبقه‌ای‌ها خودشان در دنیا اتکا دارند و هیچ توهمی به دولتهای و نیروهای غیر کارگری ندارند.

در شرایط تهاجم گسترده سرمایه‌داری جهانی به دستاوردهای طبقه کارگر و همچنین بحران ساختاری این نظام‌ها یکی پس از دیگری و دشوار نمودن زندگی به روی کارگران با جانبداری از سیاست "ریاضت اقتصادی"، اهمیت برگزاری چنین کنفرانس و کنفرانس‌هایی صد چندان می‌شود.

از نظر ما طبقه کارگر جهانی در مقابل این تهاجمات باید صفوف خود را محکمتر و گسترده‌تر نموده و همبستگی بین‌المللی خود را بیش از پیش تقویت نموده و چون اعضای یک پیکر از حقوق همطبقه‌ای‌های خود در سراسر جهان بطور گسترده حمایت نماید، تنها از این طریق است که با انسجام صف طبقاتی جهانی خود در برابر صف سرمایه مانع از ادامه تجاوزات استثمارگرانه شده و به دستاوردهای تازه‌ای نائل خواهد شد.

ما بار دیگر ضمن تبریک و آرزوی موفقیت این کنفرانس با مصوباتی مترقی و راهگشا، خواهانیم که کنفرانس با صدور قطعنامه و ارسال پیام همبستگی از مبارزات کارگران ایران حمایت نموده و خواهان آزادی فوری کارگران زندانی بویژه رضا شهبانی عضو هیئت مدیره و مسئول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شود که اکنون در نتیجه شکنجه‌های بسیار و شرایط سخت زندان برای عمل جراحی در بیمارستان بسر می‌برد.

**موفق باد هفتمین کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل سازی جهان**

**زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران**

17 مه 2012

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

توضیح: اجلاس مشورتی با کنفرانس فرق دارد و تا کنون به اشتباه این اجلاس، کنفرانس خوانده می‌شد.

چنین اجلاسی ابتدا در سوم و چهارم ماه اکتبر 1998 در شهر کلن با شرکت 450 نفر از 10 کشور جهان برگزار شد، از آن به بعد هر سال یک بار این اجلاس در سطح کشوری و هر دو سال یک بار در سطح بین‌المللی برگزار شده است. که امسال در چهاردهمین سال این حرکت، هفتمین اجلاس مشورتی بین‌المللی در شهر مونیخ برگزار شد.

این اجلاس در ابتدا با هدف تدارکاتی، برای آشنایی، برقراری ارتباطات، تبادل تجربه، مشورت و تبادل نظر و گسترش این روابط به کشورهای دیگر، برگزار شد. از این رو جنبه مشورتی داشت و به این نام خوانده می‌شد، حال بعد از 14 سال، اجلاس اخیر به این نتیجه رسید که شرایط برای برگزاری اولین کنفرانس بزرگ بین‌المللی آماده است و لذا تدارک آن را در دستور کار خود قرار داد.

هفتمین اجلاس مشورتی کارگران اتومبیل سازی جهان از 17 تا 20 ماه مه در شهر مونیخ آلمان با موفقیت تمام برگزار شد. در این اجلاس بیش از 600 نفر از کشورهای: آفریقای جنوبی، برزیل، ونزوئلا، آمریکا، فیلیپین، کره جنوبی، هند، ایران، ترکیه، روسیه، آکرین، مجارستان، لهستان، فرانسه، هلند، بلژیک، اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، نروژ و آلمان حضور داشتند. از طرف نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج از کشور، رفیقی اعزام شده بود که توسط یکی از هواداران جنبش کارگری نیز همراهی می‌شد. همچنین آقای بهروز خباز از طرف اتحاد بین‌المللی شرکت نموده بود که توسط مترجمینی همراهی می‌شد.

دستور کار عمده این اجلاس، تدارک مشخص برای برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی بود که با شعارهای:

- کارگران اتومبیل سازی، سراسر جهان را به حرکت درمی‌آورند
- ما حال خود را برای همکاری و هماهنگی جهانی جهت فعالیت‌های مبارزه جویانه کارگران اتومبیل سازی، آماده می‌کنیم.
- پیش به سوی اولین کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل‌سازی در سال 2015/2014، شروع به کار کرد.

در روز اول یک برنامه بازدید جمعی از اردوگاه نازی‌ها در داخاو با نثار تاج گل در محل قربانیان این جنایت بزرگ تاریخی برگزار شد که همگان را به شدت متأثر نمود و نمایندگان در سخنرانی‌های بعدی احساسات خود را از این دیدار منعکس نمودند.



شب هنگام مراسم افتتاحیه با جشن و سرود و صرف شام و معرفی تک تک نمایندگان برگزار شد. آقای خباز نیز پیام کوتاهی داد و نماینده ما نیز پیام آقای محمود صالحی یکی از رهبران برجسته جنبش کارگری ایران را که اختصاصاً برای این اجلاس ارسال شده بود قرائت نمود. این پیام به زبان‌های انگلیسی و آلمانی ترجمه و تکثیر شده بود و وسیعاً در میان نمایندگان توزیع شد.

در روز دوم برنامه با خوش‌آمدگویی، سخنرانی پیرامون اوضاع جهانی و گزارشی از وضع محیط‌زیست در جهان و بحث پیرامون آن شروع شد و با تشکیل 10 گروه کاری (ورکشاپ) ادامه یافت. موضوعات این گروه‌ها عبارت بودند از:

- چگونه باید هماهنگی کارگران اتومبیل‌سازی در سطح جهان در آینده ادامه یابد؟
- مسائل اتومبیل و حمل و نقل در آینده چگونه باید باشد؟
- تشدید و رشد صدمات و سختی کار و اثرات آن بر سلامتی در محیط کار
- آیا ما به اتحادیه‌ای برای حفظ محیط زیست نیاز داریم؟
- فعالیت جوانان برای در اختیار گرفتن نامحدود کارآموزی‌ها
- دمکراسی در اتحادیه‌ها
- همکاری بین‌المللی پایه‌های اتحادیه‌ها چگونه می‌تواند صورت بگیرد؟
- موفقیت علیه فشارها و ستم‌های سیاسی
- همکاری و پشتیبانی زنان مبارز و جنبش کارگری
- مبارزه بین‌المللی علیه کارهای موقت و پیمانی

که در هر یک از این گروه‌های کاری تعدادی از نمایندگان برحسب علاقه تقسیم شده و فعالانه به بحث و گفتگو پرداختند.

در روز سوم ابتدا گزارش و نتایج کار گروه‌های کاری روز قبل ارائه و بحث شد و سپس 7 گروه کاری دیگر حول مسائل کنسرن‌های بزرگ اتومبیل‌سازی تشکیل شد و در عصر همین روز چند سمینار حول مسائلی ویژه برگزار شد، نظیر:



- قرار اجلاس فعالین برای تشکیل اتحادیه حفظ محیط زیست
- بیماری و از کار افتادگی در محیط کار
- وحدت کارگران و جنبش توده‌ای در "اس 21"
- مرسدس بنز در آرژانتین و ناپدید شدن فعالین کارگری
- فیلمی از مبارزات کارگران "سانگیونگ" در کره جنوبی هم نمایش داده شد.

همچنین بازدید از شهر و راهپیمایی بسیار جالب نمایی جوانان با حمل کارتون و مجسمه‌های مقوایی و پلاکات‌ها و موزیک در برنامه عصر این روز قرار داشت.



زیباترین صحنه و برنامه در این روز حضور و استقبال پرشور و بی‌نظیر از سخنگو و یکی از رهبران اعتصابی کارگران فولاد سازی آسپروپیرگوس یونان بود که در 202 مین روز اعتصاب - که هنوز هم ادامه دارد- به نمایندگی از طرف اعتصابیون برای شرکت در این اجلاس آمده بودند. حدود 10 دقیقه حضار به احترام آنها به پا خاسته و با ابراز احساسات طبقاتی سالن را به لرزه در آورده بودند و اشک شوق در چشمان همه دیده می‌شد. سرانجام مسافرین خسته از راه رسیده به سخن درآمدند. نفر اول با سپاس از آن استقبال و احساسات و ابلاغ دروهای همبستگی

کارگران اعتصابی یونان، گفت: امروز 202 مین روز اعتصاب ماست، اما ما مبارزه خود را علیه کنسرن و دولت و کلیه کسانی که علیه ما اقدام می‌کنند تا کسب کامل خواست‌هایمان ادامه خواهیم داد. ما تا الان متحداً مبارزه کرده و وحدتمان را مثل یک پیکر مستحکمتر کرده و اجازه ندادیم اعتصاب شکن‌ها راه ما را مسدود کنند. ما به مبارزه‌مان همچنان ادامه خواهیم داد و یقیناً به سرمایه‌داران پیروز خواهیم شد زیرا از همبستگی و پشتیبانی خانواده‌ها، اهالی محل، همکاران کارگر در سایر رشته‌ها در سراسر کشور و این چنین همبستگی‌های رقیقانه و بی‌نظیر بین‌المللی برخورداریم، درود بر شما ...

در این هنگام نمایندگان کره جنوبی که یک زن و مرد بودند، به روی جایگاه رفته و یک پیشانی بند سرخ که به روی آن جمله "کارگران جهان متحد شوید" به زبان کره‌ای نوشته شده بود و یک شال گردن سه‌گوش سرخ رنگ به پیشانی و گردن هریک از آن دو بسته و با هم پیوستن دست‌هایشان و مشت‌های گره کرده و دادن شعار، شور و شوق و هلهله همگان را برانگیختند.

سپس سخنگوی اعتصاب که یک زن بود به سخن ادامه داد و ضمن تشکر از رفقای کره‌ای گفت: من هفت ماه پیش یک زن خانهدار معمولی بودم، اما الان سخنگوی کارگران اعتصابی فولاد یونان هستم. پراتیک و این مبارزه طولانی مرا آگاه کرد و به این سطح رساند. این اعتصاب تنها مربوط به یونان نیست، اعتصاب تمام دنیاست. امروز با وجود 202



روز اعتصاب، به لحاظ همبستگی در سطح کشوری و بین‌المللی، هنوز غذای کامل برای خوردن داریم و نان هم به خانه می‌بریم. از زمانی که مردهای ما اعتصاب کردند، ما هم در اعتصاب شرکت کرده و در کنار آنها ایستادیم، زیرا ما هم متعلق به طبقه کارگر هستیم ...

آنگاه نماینده کره جنوبی گفت: ما از مبارزات شما حمایت می‌کنیم. ما هم در کره اعتصابانمان سرکوب می‌شود، ولی ما مقاومت کردیم و با همبستگی کارگران، خانواده‌ها و بین‌المللی پیروز شدیم. ما تلاش و کمک می‌کنیم که رفقای یونانی هم پیروز شوند. فقط با وحدت و همبستگی بین‌المللی ما پیروز خواهیم شد.

در هنگام استراحت ظهر، رفیق ما از نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران، به نزد آنها رفته و ضمن بیان احساسات خود و اعلام همبستگی با آنها، تنها تی شیرتی را که به تن داشت که شامل عکس‌های رضا شهابی، علی نجاتی، شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی بود، از تن درآورده و همراه با یک پلاکارد بزرگ رنگی با همین تصاویر را به رسم یادبود به آنها هدیه کرد و دست‌های یکدیگر را بهم فشرد و شعار زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران را سر دادند.

شب‌هنگام نیز یک جشن بزرگ بین‌المللی با گروه‌های موزیک از آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا و اروپا و نمایشات کم‌دی سیاسی و حرکات ورزشی برگزار شد. در این برنامه همچنین پرچم‌های کشورهای شرکت کننده را تک تک نشان داده و نام بردند و سپس همه آنها را بالا برده و به دیوار آویختند. رفیق ما با مشاهده این که اشتبهاً پرچم جمهوری اسلامی را بالا برده‌اند (چون همه پرچم‌ها را از اینترنت گرفته بودند) به هیئت رئیسه مراجعه و خواهان پائین آوردن آن شد. آنها ضمن پذیرفتن این اشتباه، عذرخواهی کردند و پرچم‌ها را پائین آوردند، رفیق ما پرچم کذایی را برداشته و روبه جمعیت توضیح داد که این پرچم مردم ما نیست، این لکه ننگ متعلق به جمهوری اسلامی است نه مردم ایران و آنگاه با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و همصدایی حضار، پرچم را پاره کرد که با استقبال و تشویق و کف زدن حضار مواجه شد.

در پایان جمعیت برای تماشای مسابقات قهرمانی فوتبال بین باشگاه بایرن مونیخ و چلسی انگلستان به چادرهای آماده شده رفتند.

در آخرین روز، ابتدا گزارش کمیته تدارک و گزارش مالی آن داده شد و مورد بحث قرار گرفت. سپس پیرامون بیانیه پایانی و برنامه مبارزاتی و قطعنامه‌ها بحث و رأی‌گیری شد. رفیق ما نیز پیش‌نویس یک قطعنامه در محکومیت جمهوری اسلامی و حمایت از کارگران ایران و آزادی کارگران زندانی را ارائه داد که به اتفاق آراء و ابراز احساسات تصویب شد. (متن آن به ضمیمه است). سپس در مورد انتخاب یک هیئت هماهنگی بین‌المللی برای تدارک اولین کنفرانس بین‌المللی که در سال 2015/2014 در شهر زیندلفینگن (در نزدیکی شهر اشتوتگارت آلمان) برگزار خواهد شد، بحث و گفتگو و سپس انتخابات شد. رفیق ما با توجه به این‌که تلاش‌های چندساله نهادها برای حضور یک نماینده از ایران در این اجلاس‌ها به علت شرایط ایران به نتیجه نرسیده بود، با این انگیزه که چنانچه فعالین داخل با شرکت از راه دور در چنین هیئتی بطور مستمر در جریان اطلاعات و فعالیت‌ها قرار بگیرند و متقابلاً از وضع کارگران اتومبیل سازی در

ایران گزارش بدهند، برای دو سال دیگر آمادگی پیدا خواهند کرد که در آن کنفرانس شرکت کنند، لذا با معرفی خود و خواندن بخشی از پیام نهادها به این اجلاس، پیشنهاد داد که نمایندگان از ایران نیز مایلند در این هیئت هماهنگی شرکت کنند و من می‌توانم به‌عنوان رابط بین آنها و این هیئت عمل کنم، این پیشنهاد مورد بحث قرار گرفت و نهایتاً ایشان نیز به‌عنوان عضو هیئت هماهنگی (با آن وظیفه مشخص) انتخاب شد و حال باید فعالین داخل در این مورد تصمیم گرفته و در صورت موافقت، نماینده یا نمایندگان خود را تعیین کنند.



در پایان هیئت میزبان (مونیک) به رسم یادبود به هریک از نمایندگان کشورها یک لیوان سنتی آبخووری ایالت بایرن و یک سی دی از عکس‌های تهیه شده از این اجلاس هدیه نمود و اجلاس با خواندن سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

از نکات مهم و آموزنده این اجلاس، تماس و گفتگوهای هیئت‌های نمایندگی کشورهای مختلف برای تبادل تجربه و برقراری ارتباطات مستقیم با یکدیگر بود. رفیق ما با توجه به محدودیت بسیار زیاد وقت، موفق شد با چند هیئت هماهنگی مصاحبه‌های کوتاهی انجام دهد که (متن آنها ضمیمه است) برخی از آنها بویژه برای فعالین کارگری در ایران، می‌تواند مفید واقع شود. در این اجلاس سخنران‌ها با تکنولوژی پیشرفته به 11 زبان ترجمه می‌شد.

بیش از 50 میز اطلاعاتی و کتاب در سراسر محوطه از کشورهای مختلف تشکیل شده بود، ما هم میز خود را با ارائه پیام‌ها، اطلاعیه‌ها و نشریه به زبان آلمانی و گزارش مشروح از ایران خودرو با تزئین پلاکات‌ها و پوسترها و عکس-های کارگران زندانی و یک لیست جمع‌آوری امضاها حمایتی که بیش از 100 نفر امضاء نمودند و یک صندوق کمک مالی، که مبلغ قابل ملاحظه‌ای جمع‌آوری شد.

همچنین حضور و آشنایی با رفقایی از اشتوتگارت، یکی از فرصت‌های خوب این اجلاس بود که امید است به یاری این رفقا، به زودی نهاد همبستگی دیگری در این شهر تشکیل شود.

در این اجلاس زیباترین و عمیق‌ترین نمونه‌های همبستگی بین‌المللی کارگران به اشکال گوناگونی به نمایش درآمد که برجسته‌ترین آن مراسم استقبال پرشور از نمایندگان کارگران اعتصابی معدن در یونان بود. تحکیم، تقویت و تعمیق این همبستگی‌ها دست‌آورد مهم این اجلاس و گام بلندی برای رسیدن به وحدت و همبستگی گسترده‌تر در سطح تمامی رشته-های تولید و خدمات و در گستره جهان است.

**"پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید!"**

**سیامک مؤیدزاده (وارتان) – 2012/5/27**

ضمیمه‌ها:

- بیانیه پایانی نشست
- پیام محمود صالحی
- پیام نهادها
- قطعنامه تصویب شده
- متن مصاحبه‌ها با هیئت‌های نمایندگی
- چند عکس

کارگران اتومبیل سازی، سراسر جهان را به حرکت درمی‌آورند

ما حالا خود را برای همکاری و هماهنگی جهانی

جهت فعالیت‌های مبارزه جویانه کارگران اتومبیل سازی، آماده می‌کنیم.

### پیش به سوی اولین کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل‌سازی در سال 2015/2014

1 - هفتمین اجلاس مشورتی کارگران اتومبیل سازی جهان سال 2012، با 600 نفر شرکت کننده از 21 کشور جهان چندین میلیون کارگر اتومبیل سازی جهان را نمایندگی کردند.

اجلاس مشورتی بین‌المللی کارگران اتومبیل سازی براساس مناسبات فرا حزبی و خودگردان، برای یک همبستگی مبارز جویانه بین‌المللی و وحدت جنبش کارگری، علیه سرمایه مالی جهانی و برنامه‌های بحران‌زای دولتی آغاز به کار کرد.

تبادل تجربیات، همبستگی بین‌المللی کارگران در کنسرن‌های جنرال موتور، فولکس واگن، دایملر، فورد و بوش و دیدارهای متقابل و اقدام به همکاری‌های فراکشوری جهت تحکیم پشتیبانی‌ها و تفاهم متقابل و حرکت به سوی یک مناسبات اعتمادبرانگیز روبه رشد. ما مسائل حفظ محیط زیست و رهایی زن را در دستور کارمان قرار دادیم. با فرهنگ همبستگی در مباحث و پذیرش حقوق دمکراتیک برابر با نظرات متفاوت بحث‌ها را به پیش بردیم و سطح تفاهم و اصول مناسباتمان را ارتقاء دادیم.

2 - ادامه بحران مالی و اقتصاد جهانی و سرکردگی بحران‌زای سرمایه‌داری در سطح جهانی، کارگران اتومبیل‌سازی را با مطالبات نوینی مواجه می‌سازد. در جهانی کردن صنایع اتومبیل‌سازی، ما در سطح محلی و کشوری دست در دست یکدیگر مقابله می‌کنیم. منافع چنین شیوه تولید جهانی به سود ما نیست، ما را از هم جدا می‌سازد و ما را به رقیبان یکدیگر تبدیل می‌کند. هر کنسرنی بی‌رحمانه می‌کوشد که در مقام اول باشد و در تهاجمات استثمارگرانه جهانی در رأس قرار گیرد.

آینده جوانان ما در خطر است.

از هندوستان تا ایتالیا، از آمریکا تا کره، از برزیل تا فیلیپین، "ای. آ. آر." (اجلاس مشورتی بین‌المللی کارگران اتومبیل‌سازی) وارد این امر می‌شود که کارگران اتومبیل‌سازی، بخشی از مسئولیت آینده جامعه را بپذیرند. اجازه نمی‌دهیم هیچکس ما را متوقف کند و یا مانع شود که درباره سیستم سرمایه‌داری عمیقتر فکر کنیم. شعار انقلابی کارل مارکس: "پرولتاریای جهان متحد شوید!"، در ما ضرورت عمل و نیروی جاذبه تازه‌ای ایجاد می‌کند.

3 - ما خرسندیم که اکنون می‌توانیم فرم سازمانی جدیدی را فرا بخوانیم که از اجلاس‌های مشورتی به سطح هماهنگی‌های پیوسته و عملی کارگران اتومبیل‌سازی جهان عبور کنیم. ما برای یک پشتیبانی متقابل متعهد می‌شویم. ما هرگونه تفرقه و فریب دادن کارگران در واحدهای جداگانه را رد کرده و سیاست‌های همکاری طبقاتی سرمایه‌داران، هماهنگی مدیران و یا همچنین مبارزه رقابتی در بازارهای اتومبیل را از گرده کارگران محکوم می‌کنیم. ما برای در هم شکستن اعمال مخرابانه اعتصاب‌شکنان، برای همبستگی مبارز جویانه، محکمتر کردن مشترک سازمان‌های اتحادیه‌ای و سازماندهی یک برنامه منظم تبادل اطلاعات و تجارب و همچنین هماهنگی و همکاری‌های فراکشوری در مبارزه مشترکمان، وارد عمل می‌شویم. ما آماده همکاری تنگاتنگ با کارگران تمام رشته‌ها در مسائل جوانان، محیط زیست، زنان، تمام جنبش‌های توده‌ای و جنبش‌های انقلابی در سطح جهان هستیم. همبستگی بین‌المللی‌مان را تقویت کنیم و به سوی مبارزات مشترک برای مطالبات مشترک حرکت کنیم!

4 - تمامی ملزومات اساسی برای اولین کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل‌سازی تا سال 2015/2014 را ایجاد کنیم! با هم چهار رکن لازم این کنفرانس را بنا کنیم.

- 1 - یک نشست نهایی نمایندگان تصمیم‌گیرنده از 2 تا 5 هیئت نمایندگی کشورها
- 2 - فوروم‌های همکاری‌های بین‌المللی کنسرن‌ها
- 3 - تعیین موضوعات گروه‌های کاری و ورکشاپ‌ها
- 4 - یک برنامه فرهنگی گسترده توده‌ای

رسیدن به یک هماهنگی واقعی کارگران اتومبیل‌سازی، به معنای پابندی به اساس تصمیمات دمکراتیک مورد توافق کنفرانس جهانی کارگران اتومبیل‌سازی و نهایتاً تعهد یکایک تشکلات و نیروها، در قبول فعالانه یک وظیفه است.

ما شرکت کنندگان اتحادیه‌ها، هیئت‌های نمایندگی [کارگران زن اتومبیل‌سازی‌ها، افراد، اتحادیه‌ها، فعالین اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی جنبش کارگران اتومبیل‌سازی و خانواده‌هایشان از تمام کشورهای جهان را فرا می‌خوانیم که در تدارک و به پیش بردن اولین کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل‌سازی شرکت نمایند. جریانات فاشیستی، نژادپرستانه و بنیادگرایان مذهبی از این دعوت مستثنا هستند.

5 - ما قواعد زیر را برای هماهنگی آینده پیشنهاد می‌کنیم:

- کارگران اتومبیل‌سازی به حرکت درمی‌آیند - این افکار هدایت کننده ما در سطح جهانی است که ما را متحد می‌کند. در هر کشوری این جنبش می‌تواند در شکل‌های متفاوتی برای وحدت طبقه و نیروهای مبارز جامعه عمل ببیند.
- ما بر اساس همبستگی نهادها و برنامه مبارزاتی مشترک سال 2009 کار می‌کنیم و این توافقات را تکامل می‌دهیم.
- تدارک کنفرانس کارگران اتومبیل‌سازی در هر یک از کشورها، خود امر تقویت جنبش کارگران اتومبیل‌سازی، اتحادیه‌هایشان و اشکال سازمان‌های سیاسی در هر یک از این کشورهاست.
- موافقت با یک مصوبه منوط به رأی هر همکار، یعنی وظیفه، که او را فعالانه وابسته و متعهد برای تحقق شرایط و امکانات در کشور خودش می‌نماید.
- تمام شرکت کنندگان خود را متعهد به یک فرهنگ مباحثاتی دمکراتیک می‌نمایند، تفاهم متقابل و بدون حمله به دیگر شرکت کنندگان. ما کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل‌سازی را در یک سری مباحثات بین‌المللی و پروژه‌های سازمانی از تمام شرکت کنندگان با حقوق مساوی تدارک می‌بینیم.
- هر سازمان و یا هر فردی، که فراخوان را امضاء کند، موظف است امکاناتش را مسئولانه به حرکت در آورد و روابط کشوری و بین‌المللی‌اش را بسیج نماید.
- این مسئولیتی را می‌طلبید که برای تحقق استقلال مالی و در نتیجه یک سیاست مالی فعال و پرداخت‌های مالی برای یک پروژه مشترک بکوشیم. امور مالی توسط کمیته هماهنگ کننده، نمایندگی می‌شود و تحت یک کنترل منظم صندوق قرار خواهد داشت.
- برای توافقات گسترده‌تر، تدارک در سطح جهانی برای برگزاری کنفرانس کارگران اتومبیل‌سازی و برای انتخابات هیئت‌های نمایندگی بر حسب امکانات اجلاس کارگران اتومبیل‌سازی در سطح کشوری برای سال 2013 یا 2014 حرکت کنیم.
- برای تدارک موضوعات و مسائل تشکیلاتی اولین کنفرانس، ما یک کمیته هماهنگی بین‌المللی تشکیل می‌دهیم، که از نمایندگان شرکت کننده تمام کشورها تشکیل خواهد شد و بر حسب هر کشوری یا قاره‌ای می‌تواند توسط نمایندگانی دیگر از آنجا تکمیل شود.
- خبررسانی متقابل به صفحه سابت ما کمک می‌کند، که در سطح جهانی ساخته شده و باید مورد استفاده قرار گیرد. در مقطع تدارک برای برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی کارگران اتومبیل‌سازی، باید آن از سوی یک کشور به نمایندگی کمیته تدارک، سازماندهی شود.
- زبان موقتی برای گفتگوها، انگلیسی است.

با وحدت بین‌المللی کارگران، به پیش!

## پیام به اجلاس مشورتی کارگران اتومبیل سازی جهان

شرکت کنندگان محترم در کنفرانس بین المللی اتومبیل سازی جهان!  
با درودهای گرم و صمیمانه!

من مطلع شدم که در تاریخ 17 تا 20 ماه مه 2012 کنفرانسی در شهر مونیخ آلمان برگزار می شود. لازم می دانم قدردانی خودم را بابت تشکیل و برگزاری نشستی در باره طبقه کارگر جهان از سوی 50 کشور اعلام حمایت کنم و از شما سپاس گذاری نمایم. بدون تردید این اقدام، نشانه تلاش شما برای تقویت روحیه همبستگی بین المللی کارگری است.

اگر چه اینجانب علاقه مند بودم که به طور حضوری در این کنفرانس شرکت کرده و از نزدیک با اعضای کنفرانس آشنایی پیدا کنم؛ اما متأسفانه برایم میسر نبود تا بتوانم در کنار و در جمع شما باشم به این دلیل ناگزیر شدم این پیام را بفرستم تا از طرف من قرانت شود.

هم طبقه ای ها!

در شرایطی شما در حال برگزاری چنین کنفرانسی در باره کارگران جهان هستید که طبقه کارگر در این سوی کره خاکی، در بدترین شرایط از نظر کار و زیست، روزگار را سپری نموده و با مصائب بی شماری دست و پنجه نرم می کند. امروز تلاش برای امرار معاش و گذران امور زندگی، یکی از مشکلات اساسی کارگران ایران بوده و از دغدغه ی مهم خانواده های آنهاست. بیکاری روزافزون، وجود قراردادهای موقت و ناامنی شغلی، تعطیلی مراکز تولیدی و گسترش بیکارسازی ها، به تعویق افتادن دستمزدها و... بیش از پیش شرایط زندگی کارگران را به مخاطره انداخته است. هم چنین حداقل دستمزد کارگران در سال جاری، روزانه کمتر از 10 دلار بوده و بر اساس آمارهای رسمی، زیر خط فقر مطلق می باشد. این در حالی بود که در چند سال گذشته با اجرایی شدن طرح حذف سوبسیدها از کالاهای اساسی و مورد نیاز جامعه، قیمت ها به شکلی سرسام آور افزایش یافت و این روند هم چنان ادامه دارد. واقعیت این است اجرای این پروژه (که به توصیه نهادهای سرمایه داری جهانی، مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی صورت گرفت)، سفره خالی کارگران را نشانه گرفت و ریاضت کشی و فشار بیشتری را به میلیون ها مزدبگیر ایرانی، تحمیل کرد.

در چنین اوضاعی، سرمایه داران با در اختیار داشتن تمامی ابزارهای قانونی و انواع تشکل هایی که حامی منافع آنهاست، حقوق کارگران را پایمال کرده و اعتراض های شان را سرکوب می کنند. در ایران اعتصاب غیر قانونی است و کارگران به این دلیل، مجرم شناخته و برابر قانون مجازات اسلامی محاکمه خواهند شد. علاوه بر این تظاهرات و تجمع اعتراضی کارگری ممنوع بوده و تلاش برای ایجاد تشکل خود ساخته به نیروی خود کارگران، اقدام علیه امنیت ملی قلمداد می شود و به این دلیل، رهبران و فعالین کارگری زندانی می شوند. ما کارگران ایران حق تشکیل هیچ گونه تشکل مستقلی را نداریم و هر کسی اقدام به این کار کند برابر ماده 498 قانون مجازات اسلامی به دو تا ده سال زندان محکوم خواهد شد، در ایران خودرو هیچ گونه تشکل کارگری وجود ندارد تا از حداقل حقوق کارگران در آن بخش صنعتی دفاع کنند. هم اکنون جمع زیادی از اعضای تشکل های مستقل و غیر دولتی کارگری به زندان محکوم شده و یا در انتظار محکومیت بسر می برند. برای نمونه همین امروز رضا شهابی به جرم تشکیل سندیکای اتوبوسرانی تهران، به 6 سال زندان تعزیری و 5 سال محروم از هر گونه فعالیت کارگری محکوم شده و بهنام ابراهیم زاده به 5 سال زندان تعزیری محکوم و در حال سپری کردن حبس خود می باشد.

حضار محترم!

در ایران دو نگرش در باره کارگران و موقعیت آنها وجود دارد:



نگرش اول مبتنی بر این است که حقوق کار از جمله ی حقوق ملی و داخلی است؛ زیرا هم قانون گذار و هم مراجع دادرسی جهت حل اختلاف و نیز وزارت کار جهت نظارت بر اجرای قانون کار، وجه مشخصه ی داخلی بودن آن است و لذا رعایت استانداردهای بین المللی کار، ضروری نمی باشد.

نگرش دوم نیز بر این بینش استوار است که حقوق کار جنبه ی جهانی و فراملی دارد، زیرا تقریباً "مصائب و خواسته های اساسی تمامی کارگران دیگر کشورها، مشابه یکدیگر است و لذا توجه به آنها و رعایت نمودن این استانداردها در قوانین داخلی کشورها، الزامی و ضروری است.

بنابراین در کشور ما یا باید نگرش اول را بپذیریم و تن به هر مصوبه ضد کارگری بدهیم و یا اگر نگرش دوم را قبول کرده و برای دستیابی به مطالبات مان مبارزه کنیم، ما را تحت تحقیب، اخراج از کار، تهدید به مرگ، دستگیر و روانه زندان می کنند. بعد از بازداشت، محاکمه ما آغاز شده و اگر محارب شناخته نشویم، به جرم جاسوسی برای بیگانه و یا گرفتن پول از آنها، ما را محکوم می کنند.

علی رغم اینکه در قانون اساسی و قانون کار تظاهرات بدون حمل سلاح آزاد است، ولی این تنها در کتاب های قانون ثبت شده و ضمانت اجرایی ندارد و هرگونه تظاهرات و راهپیمایی غیر دولتی در ایران ممنوع بوده و شرکت در آن مجازات دارد. هم چنین برگزاری مستقل مراسم روز جهانی کارگر از سوی کارگران جرم بوده و آنها فقط این حق را دارند که در مراسم های دولتی و کارفرمایی، شرکت کنند! وقتی کارگران شهرستان سنندج واقع در استان کردستان در اول ماه مه امسال به خیابان آمدند 7 نفر از آنان دستگیر و آنان را جهت محاکمه به زندان فرستادند و ده ها نفر از کارگران مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

ما کارگران شهر سقز، در سال 1383 به مناسبت اول ماه مه، برابر اصل 27 قانون اساسی کشور درخواست مجوز راهپیمایی کردیم، مسئولین دولتی به جای موافقت با تقاضای ما، به صفوف کارگران حمله برده و شرکت کنندگان را مورد ضرب و شتم قرار داده و 27 نفر را دستگیر کردند. تعداد هفت نفر از بازداشتی ها، مدت 3 سال زیر طولانی ترین محاکمه های تاریخ جنبش کارگری قرار گرفتیم و سرانجام مرا به یک سال حبس تعزیری و 3 سال محروم از هر گونه فعالیت کارگری ممنوع کردند. تعدادی دیگر نیز به 3 سال محروم از هر گونه فعالیت کارگری شدند. علاوه بر این در سال 1368 جمال چراخ ویسی را تنها به جرم راهپیمایی در روز جهانی کارگر در زندان شهر سنندج محاکمه و ایشان را اعدام کردند.

اما علی رغم فشارهای متعدد معیشتی و سرکوب حرکت های کارگران برای رسیدن به خواسته های شان، بخش های مختلف طبقه کارگر ایران به شکل های مختلف، نسبت به این شرایط اعتراض کرده و با اعتصاب و تجمع، مطالبات خود مطرح نموده اند.

دوستان کارگر!

در پایان بار دیگر ضمن تشکر از برگزارکننده گان این کنفرانس، از شما می خواهم که از هر طریق ممکن برای دفاع از مطالبات کارگران ایران، از جمله داشتن حق ایجاد تشکل مستقل، حق اعتصاب و راهپیمایی و حق برگزاری مراسم اول ماه مه و آزادی فعالین و نماینده های کارگری تلاش و کوشش نمایید. ما طبقه ای جهانی هستیم و نیاز به حمایت و پشتیبانی بین المللی از یکدیگر داریم و باید بتوانیم همبسته و متحد برای رسیدن به دنیایی بدون استثمار و بهره کشی انسان از انسان، مبارزه کنیم.

دست همه شما را به گرمی می فشارم. با سپاس فراوان

ایران - استان کردستان - شهرستان سقز محمود صالحی مورخ 91/2/23

#### پیام نهادها

به هفتمین اجلاس مشورتی بین المللی کارگران اتومبیل سازی جهان در مونیخ

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، با نهایت خوشوقتی برگزاری این کنفرانس مهم را به شما کارگران شرکت کننده از سراسر جهان تبریک می گوید.

متأسفانه تلاش های چند ماهه ما برای اعزام یک نماینده از بخش خودروسازان ایران برای شرکت در این کنفرانس به علت اختناق حاکم در ایران و نگرانی از پی آمدهای آن به نتیجه نرسید.

کارگران ایران کماکان از حق تشکل و اعتصاب برخوردار نیستند. رژیم اسلامی سرمایه وحشیانه به هر اعتراض و اعتصاب کارگران حمله می شود.

کارگران و زحمتکشان در شرایط بد اقتصادی و با بی کاری روبه افزایش روبرو هستند و از امنیت شغلی، بیمه بی کاری و اجتماعی بی بهره اند. کارگران در ایران هیچگاه در طول این سال ها دست از اعتراض و اعتصاب برنداشته و بی وقفه برای منافع و مطالبات خود میوشند.

در اول ماه مه امسال در ایران به اشکال مختلف مراسم و گردهم آیی هایی به مناسبت اول مه برگزار شد و بخشی از مراکز صنعتی و محل های کار، کارگران جسورانه دست از کار کشیده تا بتوانند هم اول ماه مه را جشن گرفته و هم در مورد خواسته ها و مطالبات شان با هم به بحث و گفتگو بپردازند.

کارگران ایران فقط به نیروی خود و به همبستگی و حمایت همطبقه ای های خودشان در دنیا اتکا دارند و هیچ توهمی به دولت ها و نیروهای غیر کارگری ندارند.

در شرایط تهاجم گسترده سرمایه داری جهانی به دستاوردهای طبقه کارگر و همچنین بحران ساختاری این نظام، اهمیت برگزاری چنین اجلاس هایی صد چندان می شود. طبقه کارگر جهانی در مقابل این تهاجمات باید صفوف خود را محکمتر و گسترده تر نموده و همبستگی بین المللی خود را بیش از پیش تقویت نموده و چون اعضای یک پیکر از حقوق همطبقه ای های خود در سراسر جهان بطور گسترده حمایت نماید، تنها از این طریق است که با انسجام صف طبقاتی جهانی خود در برابر صف سرمایه مانع از ادامه تجاوزات استثمارگرانه شده و به دستاوردهای تازه ای نائل خواهد شد.

ما بار دیگر ضمن تبریک و آرزوی موفقیت این اجلاس مشورتی با مصوباتی مترقی و راهگشا، خواهانیم که کنفرانس با صدور قطعنامه و ارسال پیام همبستگی از مبارزات کارگران ایران حمایت نموده و خواهان آزادی فوری کارگران زندانی بویژه رضا شهبانی عضو هیئت مدیره و مسئول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شود که اکنون در نتیجه شکنجه های بسیار و شرایط سخت زندان برای عمل جراحی در بیمارستان بسر می برد.

موفق باد هفتمین اجلاس مشورتی بین المللی کارگران اتومبیل سازی جهان

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

17 ماه مه 2012

### قطعنامه تصویب شده

ما شرکت کنندگان در هفتمین اجلاس مشورتی بین المللی کارگران اتومبیل سازی که از 17 تا 20 ماه مه 2012 در شهر مونیخ برگزار شد، با اطلاع از وضعیت اسفناک عمومی کارگران ایران و همچنین شرایط بسیار سخت فعالین کارگری که از حق تشکل، اعتصاب و بیان محروم بوده و دائم تحت پیگرد و تعقیب می باشند و یا به زندان طویل المدت افتاده و تحت شکنجه قرار می گیرند، ضمن محکوم کردن شدید اعمال سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و پایمال کردن حقوق اولیه کارگران خواهانیم:

1 - آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی کارگران زندانی بویژه رضا شهبانی و علی نجانی که در نتیجه شرایط بسیار سخت زندان سلامتی خود را کاملاً از دست داده و در معرض خطر قرار دارند.

2- به رسمیت شناختن حق تشکل، اعتصاب، اعتراض و کلیه حقوق دمکراتیک از جمله به رسمیت شناختن و تعطیل رسمی اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و متوقف کردن هرگونه اعمال سرکوب و آزار کارگران.

3- متوقف کردن اخراج‌های گسترده، پرداخت حقوق‌های عقب افتاده و بالا بردن حداقل دستمزدها برابر با میزان واقعی تورم.

ما به عنوان وظیفه انترناسیونالیستی در دفاع از حقوق همطبقه‌ای‌های خود در ایران، ضمن اعلام همبستگی با کارگران ایران، از مسئولین جمهوری اسلامی خواهان تحقق فوری مواد فوق می‌باشیم و متعهد می‌شویم تا تحقق کامل آنها به تلاش‌های خود در اشکال گسترده‌تر ادامه دهیم.

بیش از 600 نفر شرکت کننده از 25 کشور جهان در هفتمین اجلاس مشورتی بین‌المللی کارگران اتومبیل سازی

مونیک - 2012/5/20

### متن مصاحبه‌ها با هیئت‌های نمایندگی

مصاحبه با هیئت‌های نمایندگی فیلیپین، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، برزیل و اسپانیا

در هفتمین اجلاس مشورتی کارگران اتومبیل سازی جهان در مونیک 17 - 20 ماه مه 2012

یکی از مزایا و امکانات خوب چنین اجتماعاتی، آشنایی، ارتباط و تبادل تجربه با فعالین کارگری کشورهای دیگر است. با توجه به محدودیت بسیار وقت - چون همه تمام وقت در جلسات مختلف حضور داشتند، و پیدا کردن مترجم به زبان‌های مختلف، تنها فرصت‌های بسیار کوتاهی برای چنین مصاحبه‌هایی به دست می‌آمد و لذا من تنها توانستم با این چند نمایندگان صحبت‌های کوتاهی داشته باشم. بنابر این تنها دو سؤال مشترک و مشخص را که می‌تواند برای فعالین داخل کشور مفید واقع شود، از همه این افراد کردم، ولی در ضمن گفتگو، سؤال‌های جنبی دیگری نیز مطرح شد که مجموعاً از این قرارند:

- با مسائلی نظیر اخراج‌ها، بستن کارخانجات و بی‌کاری، چگونه برخورد می‌کنید؟ تجربه شما در این زمینه چیست؟
- چگونه کارگران را برای شرکت در یک اعتصاب بسیج و سازماندهی می‌کنید؟
- آیا اتحادیه شما مستقل است یا وابسته؟
- آیا قانوناً حق اعتصاب دارید؟

(در این مصاحبه‌ها از طرح هر باره سئوالات خودداری می‌کنم و پاسخ‌ها را به‌طور کلی می‌نویسم)

### فیلیپین - رومنولگاسپی

ابتدا تحقیق می‌کنیم که چرا کارخانه بسته شده و دلیلش چیست. براساس آن پس از بحث و گفتگو با که برای حمایت از کارگران کارگران، درخواست‌های خود را فرموله کرده و به اتحادیه می‌دهیم تا اقدام کند. - اتحادیه منتخب کارگران است و در مجموع کارش مثبت است - سپس مدیران کارخانه بررسی می‌کنند که خواست‌های کارگران را قبول کنند یا نه. اگر کارخانه بسته باشد، تصمیم می‌گیرند که پولی به کارگران بپردازند و بر سر مبلغ چانه می‌زنند و چنانچه نپردازند یا به توافق نرسند، کارگران اعتصاب می‌کنند.

در قانون کار فیلیپین، حق اعتصاب به رسمیت شناخته شده، اما در عمل پلیس و ارتش دخالت می‌کند!

ما ابتدا حقانیت و ضرورت اعتصاب را برای کارگران توضیح می‌دهیم که چرا کارفرما حقوق ما را نمی‌پردازد، سپس تمام کارخانه و خانواده‌هایشان را مطلع می‌کنیم. بعلاوه به تمام کارگران کارگاه‌ها یا مؤسساتی که از شرکاء کارخانه

هستند و یا برای آن کار می‌کنند در مورد اعتصاب و علل آن اطلاع رسانی می‌کنیم. در موارد حمله پلیس اهالی محل را هم بسیج می‌کنیم که از ما حمایت کنند. آنها غذا و نوشابه اعتصابیون را تأمین می‌کنند و در مقابل پلیس از ما دفاع می‌نمایند.

هنگامی که کارگران و اهالی از اهداف اعتصاب مطلع شده و آن را پذیرفتند، تظاهرات و اعتراضات شروع می‌شود. مهم این است که کارگران بفهمند که حق اعتصاب و مبارزه دارند.

س: آیا صندوق اعتصاب دارید؟

ج: صندوق داریم و اهالی با درک حقانیت اعتصاب کمک می‌کنند. سایر اتحادیه‌ها و کارگران سایر کارخانجات نیز کمک می‌کنند، سازمان "کار آید" که برای حمایت از کارگران از چند کارخانه تشکیل شده نیز حمایت می‌کند. حمایت‌های بین‌المللی هم به اشکال مختلف می‌شود.

س: آیا در پایان اعتصاب، چه موفق بشود و چه شکست بخورد، از این تجربه، جمع‌بندی می‌شود؟

ج: چنانچه درخواست‌ها مثلاً منجر به بالا بردن دستمزد و یا جلوگیری از بستن کارخانه بشود، این یک موفقیت است. در جریان اعتصاب، کمیته‌های مختلفی تشکیل می‌شود مثل کمیته آموزش، کمیته مالی، کمیته تدارکات، کمیته اکسیون‌ها در اعتصاب و کمیته مبارزه علیه اعتصاب شکن‌ها.

کمیته‌ها گزارش می‌دهند و ارزشیابی می‌کنند و برای کمیته رهبری اعتصاب می‌فرستند، آنجا بحث و بررسی می‌کنند، نقاط ضعف و اشتباهات و یا نکات مثبت را مشخص می‌کنند. بویژه مهم است که بدانند سرمایه‌دار، دولت و پلیس چگونه عمل می‌کنند و تلاش می‌کنند در آینده اشتباهات را تصحیح و به جهت درست هدایت کنند. در جمع‌بندی مهم است که توده‌ها را فراموش نکنیم و آنها را هم در جمع‌بندی شرکت داده و از کمک و همبستگی‌شان تشکر کنیم.

س: آیا تصمیم به ادامه و یا پایان دادن به اعتصاب با رهبری است یا از کارگران نظرخواهی می‌شود؟

ج: رهبری اگر اوضاع را نامساعد ببیند، موقتاً اعتصاب را تعطیل می‌کند بعد از تمام کارگران برای ادامه و یا خاتمه اعتصاب نظرخواهی می‌کنند، تصمیم نهایی باید با 80 درصد آراء گرفته شود.

### آفریقای جنوبی - ماکازو - از اتحادیه لیونزا

میزان بی‌کاری در آفریقای جنوبی بسیار بالاست، و بیشتر در میان جوانان است. بعد از پایان مدرسه برای اکثر آنها کار نیست. هجوم کارگران از سایر کشورهای آفریقایی نیز، میزان بی‌کاری را بالاتر می‌برد. اتحادیه علیه بی‌کاری و کار موقت مبارزه می‌کند. اتحادیه‌ها قبلاً علیه آپارتاید مبارزه می‌کردند و حال برای کارگران فعالیت می‌کنند، وابسته به دولت نیستند، ولی رهبران اتحادیه بیشتر تابع سیاست‌های دولت هستند. تقریباً 70 درصد وابسته به کنگره ملی آفریقا و 30 درصد به احزاب وابسته هستند. در هر واحد کاری، یک اتحادیه یا شورای نمایندگی وجود دارد.

بعد از لغو آپارتاید، ما مبارزه می‌کنیم، اعتصاب می‌کنیم، در کارخانه می‌خوانیم و اغلب کارگران برای دفاع از خود، مسلح هستند، بعضاً با سلاح واقعی، ولی بیشتر سلاح‌ها چوبی و قلابی است! که پلیس با دیدن ما ترسیده و فرار می‌کند!

حق اعتصاب، قانوناً برسمیت شناخته شده، ولی مقررات تازه‌ای وضع شده که مثلاً دو روز قبل باید اطلاع داد. اما در صورت اعتصاب غیر قانونی، پلیس دخالت می‌کند. مثلاً کنگره ملی آفریقا متعهد شده که کار، آب و برق مردم را تأمین کند، ولی چون به تعهدش عمل نکرد، مردم اعتراض کردند و در یک تظاهرات سراسری با دخالت پلیس یک نفر کشته شد.

از آنجا که اعتصاب محقانه است، در مجمع عمومی بحث می‌کنند و با رأی اکثریت تصمیم به اعتصاب می‌گیرند.

س: آیا برای اعتصاب بین اهالی و خانواده‌ها هم تبلیغ می‌شود؟

ج: ما تنها متکی به کارگران کارخانه هستیم و بر روی آنها تمرکز می‌گذاریم و با اهالی و خانواده‌ها کاری نداریم.

س: پس چگونه پشتیبانی می‌شوید؟

ج: احتیاج به پشتیبانی نداریم، اعتصاب می‌کنیم و به خانه‌هایمان می‌رویم تا موقعی که رادیو اعلام کند به سر کارتان برگردید! به این طریق ادامه و طولانی شدن اعتصاب به سود کارفرما نیست و معمولاً خبر بازگشت به کار زود منتشر می‌شود. مثلاً ماه گذشته کارگران فلزکار اعتصاب کرده و به خانه‌هایشان رفتند و حتی یک نفر به سر کار نرفت، لذا کارفرما زود خواست‌های آنها را پذیرفت و آنگاه کارگران به سر کار رفتند.

س: اعتصاب از نظر مالی چگونه تأمین می‌شود؟

ج: نه از طرف کارفرما، نه اتحادیه و نه دولت در ایام اعتصاب چیزی پرداخت نمی‌شود، صندوق اعتصاب هم نداریم. سعی می‌کنیم که با مذاکره چیزی دریافت کنیم، ولی همیشه موفق نمی‌شویم. عمدتاً همکاران و خانواده‌ها کمک می‌کنند. ولی مهمتر از همه همبستگی بین‌المللی است. این کنفرانس فرصت خوبی بود، هم یاد گرفتیم، هم تبادل تجربه کردیم و هم بیشتر همبسته شدیم و باید اتحادمان را محکمتر کنیم.

### کره جنوبی

ج: کارگران زیر پوشش بیمه‌های اجتماعی هستند و در موارد اخراج و بیکاری بطور نسبی تأمین می‌شوند. اما این تنها مشکل کارگران نیست، این مشکل عمومی جامعه است و به عنوان یک مشکل همگانی مطرح است و آگاهی عمومی در مورد این مشکلات وجود دارد. ما سطح بالای بیکاری داریم، به خصوص در بین جوانان و همچنین کارهای موقت. سرمایه‌داران سعی می‌کنند با همکاری با هم و تباری سود بیشتری حاصل کنند ولی مردم در مقابل این وضع مقابله و مبارزه می‌کنند. مثلاً در مورد معاهده آمریکا و کره، کارگران علیه آن مبارزه کردند، تظاهرات وسیع توده‌ای براه افتاد و دانشجویان در آن نقش زیادی داشتند.

در قانون و روی کاغذ حق اعتصاب، اتحادیه و ... هست، ولی در اعتصابات طولانی دولت دخالت می‌کند و با نیروی پلیس سرکوب می‌نماید.

س: چگونه در چنین وضعی کارگران را بسیج و سازماندهی می‌کنید؟

ج: وقتی در مورد دستمزد اعتصاب می‌شود، کارگران عموماً راحت‌تر شرکت می‌کنند. اما در مورد تعطیلی کارخانه و اخراج‌ها چون خطر هست، کمتر شرکت می‌کنند. در این موارد در مرحله اول یک اجتماع از کارگران تشکیل می‌شود و بحث می‌کنند که آیا اعتصاب درست است یا نه؟ چنانچه تصمیم به اعتصاب گرفته شود، کارگران بیشتری شرکت می‌کنند. ما می‌گوییم: "تجربه یک اعتصاب، انسان را کامل می‌کند"

ما صندوق اعتصاب داریم ولی حقوق روزهای اعتصاب پرداخت نمی‌شود. در این حالت کارگران اعتبار باز می‌کنند. خانواده‌ها هم کمک می‌کنند.

جامعه کره عمدتاً کارگری و خانواده‌هایشان هستند که آگاهی عمومی‌شان بسیار پایین است و از سطح یک انسان معمولی پایین‌تر است. هرچند بعضی‌ها گاهی در مبارزات شرکت کرده و از کارگران حمایت می‌کنند. ولی کارگران صنایع دائم بیشتر می‌شوند.

اتحادیه‌ها سعی می‌کنند تبلیغات ضد کمونیستی علیه کره شمالی را برطرف کنند و مردم را علیه تبلیغات کاپیتالیستی آگاه و بسیج می‌کنند.

### برزیل - مانچا - از جنرال موتور

ج: مبارزات وابسته به رشد جنبش کارگری است. ما دائماً جلسات عمومی تشکیل می‌دهیم که کارگران را بسیج کنیم و هنگامی که آگاهی عمومی آماده شود، شروع به آکسیون می‌کنیم، مثلاً اعتصاب. اتحادیه ما مستقل و علیه سیاست‌های دولت است و هر دو سال یک بار انتخابات داریم.

در بعضی مناطق حق اعتصاب هست، ولی در عمل اغلب اعتصاب‌ها را غیر قانونی اعلام کرده و سرکوب می‌کنند و یا اخراج می‌کنند و یا بعدتر در سر فرصت فعالین را اذیت و اخراج می‌کنند.

کارگران مجبورند بسیج شده و در اعتصابات شرکت کنند. برای آن که شرایط کار آنقدر سخت است که احتیاج به کار زیادی نیست و کارگران خودبخود شرکت می‌کنند.

صندوق اعتصاب داریم ولی از طرف هیچ منبعی حقوق اعتصاب پرداخت نمی‌شود. در پایان اعتصاب درخواست می‌شود حقوق روزهای اعتصاب پرداخت شود، اما اکثراً پرداخت نمی‌شود. سعی می‌شود توده‌ها را بسیج کرد و حمایتشان را جلب کنیم. در اکثر موارد مردم، خانواده‌ها و سایر کارخانجات حمایت می‌کنند.

### اسپانیا - یزوس - از ث، ژ، ت

ج: ما علیه اخراج‌ها قویاً مبارزه می‌کنیم و خواهان خاتمه اخراج‌ها هستیم و تلاش می‌کنیم کارگران خود اداره کارخانه را به دست بگیرند، ولی چون کارخانجات بزرگ اغلب با سرمایه خارجی است، کنسرن‌های بین‌المللی جلوگیری کرده و تهدید می‌کنند اگر کارگران کارخانه را تصاحب کنند، همه را اخراج خواهند کرد.

(متأسفانه این مصاحبه به علت احضار یزوس به یکی از جلسات، ناتمام ماند)

### چند عکس





# حکم بیدادگاه تجدید نظر در مورد رضا شهابی را شدیداً محکوم می‌کنیم!

طبق اطلاعیه شماره ۳۳ " کمیته دفاع از رضاشهابی"، بیدادگاه تجدید نظر شعبه ۳۶ تهران، حکم بدوی در مورد رضا شهابی (۶ سال حبس، ۵ سال محرومیت از فعالیت‌های سندیکائی و ۷ میلیون تومان جزای نقدی) را تنها در عرض یک ماه به طور چشم بسته تأیید نموده است. در این اطلاعیه آمده است:

"تأیید حکم ۶ سال حبس رضا شهابی در شرایطی است که پزشکان معالج وی به صراحت اعلام کرده‌اند که به دلیل شرایط ویژه و خطرناک جسمی‌اش و همچنین حساسیت‌های بالای عمل جراحی، رضا باید تا مدت‌های طولانی و به طور کامل در محیط مناسب و تحت نظر پزشکان باشد و به لحاظ پزشکی و وضعیت جسمی، او به هیچ وجه توان تحمل حبس، چه در مراحل عمل‌های پیش رو و چه بعد از آن، را ندارد."

چنین قساوت و بی‌رحمی کینه‌توزانه‌ای در مورد رضا شهابی فعال کارگری بیمار، چه چیزی را می‌رساند غیر از وحشت این نظام ضد کارگری از جنبش رو به رشد کارگری ایران و فعالان مبارز و مقاوم آن. رضا شهابی هرگونه شکنجه، تهدید و خطری را به جان خرید و استوارانه از حقوق خود و هم‌طبقه‌ای‌هایش دفاع کرد و در برابر نمایندگان نظام سرمایه سرفروود نیآورد و همین گناه بزرگ اوست که مدافعان سرمایه و سرمایه‌داران را به وحشت انداخته و می‌کوشند با چنین احکام بی‌شرمانه‌ای حتا به قیمت جان او، صدای رسایش را خفه کنند.

زهی خیال باطل! مگر در همین روزهای اخیر ۶۰ نفر از فعالین کارگری به‌طور علنی به مصاف شما غارتگران نیروی کار جامعه بر نیامدند، آنهم علیرغم سرکوب شدید و پرداخت هزینه گزاف، موجودیت و حقانیت خود را اعلام و تثبیت نمودند؟ مگر حضور و ایستادگی ده‌ها فعال کارگری دیگر در سیاهچال‌های شما، جنبش کارگری را از حرکت باز داشته است؟ مگر اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری در سراسر کشور و همبستگی‌های جهانی مدافعان حقوق و مبارزان سیاسی از مبارزات کارگران در ایران را نمی‌بیند؟ یقین بدانید، سنگی را که علیه جنبش کارگری بلند کرده‌اید، به روی پای خودتان خواهد افتاد، حرکت‌های رو به رشد جنبش کارگری، طلیعه چنین اتفاق بزرگی است، به هوش باشید و برخورد بلرزید.

اگر رضا شهابی را کینه‌توزانه به زندان و محرومیت و جریمه نقدی "محکوم" می‌کنید و زن و فرزندان را به بی‌سرپرستی، بی‌خانمانی و گرسنگی وادار می‌سازید، میلیون‌ها کارگر زحمتکش و انسان‌های آزاده احکام " شما را محکوم می‌کنند و نهایتاً با گسترش مبارزات توده‌ای شما را وادار به تسلیم و تعظیم در برابر طبقه کارگر خواهند کرد.



**دست دژخیمان جمهوری اسلامی از جان رضا شهابی و خانواده‌اش کوتاه!  
درود بر ده‌ها کارگر زندانی و فعالین کارگری آگاه، مبارز و تسلیم ناپذیر!  
گسترده و پیروز باد جنبش روبه رشد کارگری ایران!**

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

۱۳ تیر ۱۳۹۱ برابر با ۳ ژوئیه ۲۰۱۲

**متن اطلاعیه شماره ۳۳ کمیته دفاع از رضا شهابی ضمیمه است**

اطلاعیه شماره 33 - شعبه 36 دادگاه تجدیدنظر استان تهران حکم 6 سال حبس، 5 سال محرومیت از فعالیت های سندیکائی و 7 میلیون تومان جزای نقدی رضا شهابی را تأیید کرد!

همان طور که در اطلاعیه قبل ذکر شد پس از تعیین شعبه تجدیدنظر، خانواده رضا شهابی به شعبه 36 دادگاه تجدیدنظر مستقر در دادگاه انقلاب اسلامی مراجعه کردند تا از سرنوشت پرونده مطلع شوند اما مسئولان به خانواده گفتند که دادگاه قبلاً این پرونده را بررسی کرده و نتیجه را تعیین کرده است اما از اعلام نتیجه دادگاه تجدیدنظر سرباز زدند و گفتند که به زودی نتیجه به صورت رسمی ابلاغ می شود. در ادامه و هنگامی که وکیل رضا نیز به این دادگاه مراجعه کرد مسئولان به او گفتند که حکم دادگاه بدوی تأیید شده است. البته هیچ حکم رسمی در این زمینه ابلاغ نشده و مسئولان تنها از روی دفتر اندیکاتور شعبه به وکیل اعلام کرده اند که حکم دادگاه بدوی (6 سال حبس، 5 سال محرومیت از فعالیت های سندیکائی و 7 میلیون تومان جزای نقدی) تأیید شده است. شایان ذکر است که از زمان تسلیم لایحه دفاعیه توسط وکیل تا تأیید حکم دادگاه بدوی توسط دادگاه تجدید نظر تنها در حدود یکماه گذشته است! تأیید حکم 6 سال حبس رضا شهابی در شرایطی است که پزشکان معالج وی به صراحت اعلام کرده اند که به دلیل شرایط ویژه و خطرناک جسمی اش و همچنین حساسیت های بالای عمل جراحی، رضا باید تا مدت های طولانی و به طور کامل در محیط مناسب و تحت نظر پزشکان باشد و به لحاظ پزشکی و وضعیت جسمی، او به هیچ وجه توان تحمل حبس، چه در مراحل عمل های پیش رو و چه بعد از آن، را ندارد. علاوه بر این آیا کسانی که چشم بسته و بدون بررسی، حکم ناعادلانه و ضدکارگری دادگاه بدوی را تأیید کرده اند حتی برای یک لحظه با خود فکر کرده اند که یک خانواده کارگری (همسر و دو فرزند) که در خانه ای اجاره ای و در کوچه پس کوچه های تنگ جنوب تهران زندگی می کنند، در غیاب تنها نان آور خانواده چگونه باید زندگی کنند؟! خوب است بدانید که در دو سال گذشته بر خلاف قانون هیچ پرداختی از جانب شرکت واحد به خانواده ایشان انجام نگرفته و آنها طی این مدت با حداقل امکانات روزگار بسیار سختی را از سر گذرانده اند و معلوم نیست که در 4 سال باقیمانده با چه شرایطی روبرو شوند!

کمیته دفاع از رضا شهابی شدیداً به تأیید چشم بسته حکم بدوی توسط دادگاه تجدیدنظر اعتراض دارد و آن را ادامه روند سرکوب کارگران و فعالان کارگری می داند که این روزها به اوج خود رسیده است و از تمامی کارگران، فعالین کارگری و تشکل های کارگری می خواهد تا با تمام توان به این سرکوب ها اعتراض کنند.

کمیته دفاع از رضا شهابی - 13 تیرماه 1391

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: 09357353412

[k.d.shahabi@gmail.com](mailto:k.d.shahabi@gmail.com)

[www.k-d-shahabi.blogspot.com](http://www.k-d-shahabi.blogspot.com)



# آذر درخشان در گذشت!

آذر درخشان (مهری علی ملایری) در سحرگاه روز 26 مه بعد از 11 سال مقاومت و مبارزه علیه بیماری سرطان در یکی از بیمارستانهای شهر پاریس چشم از جهان دوخت.

آذر درخشان را تمامی فعالین زنان و دوستداران مساوات و مبارزان علیه ستم و تبعیض به خوبی میشناسند. او از بنیانگذاران سازمان زنان 8 مارس (ایران و افغانستان) بود. او از سازماندندگان راهپیمایی 5 روزه کارزار زنان در شهرهای مختلف اروپا علیه قوانین ارتجاعی، نابرابر و مجازاته‌های اسلامی و نیز نویسنده کتاب "زنان سال صفر" بود.

آذر درخشان سالها زندگی خود را وفق مبارزه برای برابری و مساوات، علیه خرافات و تبعیض، علیه ستم و استثمار کرد.

از دست دادن آذر درخشان عزیز ضایعه بزرگی برای جنبش رهایی زنان است.

انجمن حق زنان، درگذشت آذر را به تمامی اعضای خانواده، یاران و دوستان، تمامی زنان و مردان مبارز تسلیت میگوید.

با مبارزه متحد، بیوقفه و تعطیل ناپذیر علیه ستم و تبعیض، یاد آذر درخشان را گرامی داریم.

**انجمن حق زنان**

**26 مه 2012**

Kvinnors Rätt, Tfn: 08-7526636, Mobil: 073-7286893, [www.womensrights.org](http://www.womensrights.org), [rashidi\\_maria@yahoo.se](mailto:rashidi_maria@yahoo.se)



# بیانیه پایانی

## پنجمین گردهمایی

### نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

پنجمین گردهمایی حضوری نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور روز 6 آپریل 2012 با اعلام یک دقیقه سکوت بیاد جانباختگان جنبش کارگری و سرود انترناسیونال در شهر کلن، آلمان آغاز بکار کرد. گردهمایی بطور حضوری و پالتالکی با شرکت میهمانان از جمله تعدادی از فعالین کارگری و نیز اعضا نهادها برگزار شد. محمود صالحی نیز از طریق پالتالک پیام کوتاهی برای گردهمایی ارائه داد. گردهمایی در شرایطی برگزار شد که کارگران در ایران در وضعیت فلاکت بار اقتصادی بسر می برند. اجرای طرح " هدفمند سازی یارانه ها" از سوی رژیم جمهوری اسلامی و نیز تشدید تحریمهای امپریالیستی در رابطه با ابتدایی ترین مایحتاج زندگی، سفره کارگران و خانواده های کارگری را بیش از پیش خالی کرده است. دستمزد کارگران حداقل به یک چهارم خط فقر رسمی رسیده و بیکاری افزایش یافته است. نابسامانی اجتماعی از جمله اعتیاد و فحشا به بالاترین حد خود رسیده است. فعالین کارگری کماکان یا در زندان بسر میبرند و یا تحت تعقیب و آزار دائمی هستند. اما اعتراضات و اعتصابات کارگری هرروزه صورت گرفته و کارگران پیگیرانه برای دریافت حقوق های معوقه، امنیت شغلی، و سایر مطالبات همچنان پافشاری می کنند.

در شرایطی گردهمایی پنجم نهادهای همبستگی برگزار گردید که در سطح جهانی نیز کارگران و مردم زحمتکش امریکا و اروپا در مقابل سیاست های ریاضت طلبانه سرمایه داری به اعتراض برخاسته اند. مبارزات علیه تعرض دولت های سرمایه داری به دستمزد و سفره کارگران و سایر شاغلین، خیابانهای آتن، مادرید، بارسلون، رم، لیسیون و ... رابلرزه در آورده اند. جنبش های ضد سرمایه داری در حال حاضر به اشکال مختلف خود را نشان داده و انواع اعتصابات و اعتراضات کارگری در جریان هستند.

گردهمایی پنجم نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ضمن تاکید دوباره بر حمایت از مبارزات کارگری و نیز ایجاد تشکل های مستقل کارگران، بر ادامه مبارزه برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران و فعالین کارگری زندانی پای فشرد. با توجه به شرایط سیاسی ناشی از تحریمهای دولت های سرمایه داری در رابطه با ایران و نیز نمایش تحرکات جنگی دولت های اسرائیل و امریکا،

زندگی کارگران و مردم زحمتکش بمراتب تحت فشار قرار گرفته است. از یک طرف فشار اقتصادی و نیز استبداد رژیم جمهوری اسلامی و از سوی دیگر تحریم انواع وسائل اولیه مورد نیاز کارگران، بازنشستگان، بیکاران و اکثریت ساکنین در ایران معیشت آنان را به ورطه نابودی هر چه بیشتری سوق داده است. کارگران در ایران که زیر تیغ رژیم جمهوری اسلامی بسرمی برند نه سودی در تحریمهای امپریالیستی دارند و نه نفعی در تبلیغات و تحریکات جنگی دارند. رژیم جمهوری اسلامی به بهانه تحریمها و خطر جنگ به کارگران و زحمتکشان، کار بیشتر با مطالبه کمتر را، زیر شعار "تولید ملی" فراخوان می دهد. اما هر گونه بهبودی در شرایط زندگی کارگران و مردم زحمتکش با دست خود کارگران و مبارزات متشکل آنان امکان پذیر است. در رابطه با اوضاع جهانی و نیز خصوصن سیاست های ریاضت جویانه دولت های سرمایه داری گردهمایی خود را ملزم دید در مقابل سیاست های سرمایه داری حضور فعالی در جنبش های اعتراضی جاری در امریکا و اروپا داشته باشد و پل همبستگی کارگری را تقویت بخشد. به عبارت دیگر گردهمایی پنجم بر دو وظیفه موازی یعنی حمایت از مبارزات کارگری در ایران و شرکت فعال در مبارزات کارگری جهانی با هدف تقویت و استحکام همبستگی بین المللی پای فشرد.

گردهمایی پنجم فعالیت های نهادهای همبستگی در دور گذشته را مثبت ارزیابی نموده و با تاکید بر ادامه فعالیت های تاکنونی خود با توجه به شرایط حاضر عرصه های جدیدی را در دستور کار و فعالیت های آتی خود قرار داد. غیر از گسترش فعالیت های بین المللی خود گردهمایی در رابطه با تقویت مالی جنبش کارگری، اقدامات سازمانیافته تر را در دستور کار قرار داد. برای حمایت های حقوقی از فعالین کارگری برنامه ریزی نمود. گردهمایی بر تقویت نهادهای موجود، انتشار مستمر روز شمارهای کارگری، تقویت کمیسیون های کاری و ایجاد نهادهای جدید پای فشرد و نیز فعالیت در راستای اقناع دیگر تشکل های مدافع کارگران برای همکاری در جهت جلب حمایت و همبستگی بیشتر با مبارزات کارگران در ایران را مفید و موثر دانست.

از آنجا که اول مه روز جهانی کارگر نزدیک است، گردهمایی اقداماتی را با توجه به اوضاع جدید جهانی برای برگزاری هر چه وسیع تر آن در دستور کار قرار داد. گردهمایی بر تقویت مبارزات کارگری در عقب نشانیدن هر چه بیشتر سیاست های سرمایه داری و دولت هایش در صف واحد ضد سرمایه داری تاکید گذاشت. از جمله اقدامات مورد توافق شرکت در تظاهرات ها و گردهمایی های روز کارگر و نیز مراسمها و فعالیت های متنوع دیگری باشد.

گردهمایی پنجم، پس از بحث و تبادل نظر، در رابطه با صدور پیامها و اطلاعیه هایی به توافق رسید و پس از انتخاب هیئت هماهنگ کننده دور آتی از میان نهادها با سرود انترناسیونال در 9 آپریل به کار خود پایان داد.

9 آپریل 2012

## نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

# پیام پنجمین گردهمایی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

به: **زنان و مردان کارگر و زحمتکش، کارگران زندانی، فعالین کارگری، کودکان کار، بازنشستگان جبهه کار و جویندگان کار؛**

یاران مبارز،

سال دیگری سیاه تر از هر سال بر شما گذشت، نظام سرمایه و دولت طرفدارش، برای سوداندوزی هرچه بیشتر و خالی کردن باز هم بیشتر سفره های شما، بر فشار، ستم، سرکوب، استثمار و انواع تضییقات بر گرده شما افزود.

گرانی، نرخ بالای تورم، کاهش قدرت خرید، حقوق های عقب مانده، حذف یارانه ها، اخراج های گسترده، تعطیلی روزافزون واحدهای تولیدی، قراردادهای موقتی و پیمانی و در آخرین اقدام شرم آور تنها ۶ درصد بر حداقل دستمزدها نسبت به سال پیش افزوده شد. هم اینک با توجه به نرخ رسمی تورم در حقیقت دستمزد واقعی حتماً از میزان ناچیز قبلی نیز کاهش یافته و همچنین عواقب تحریم های فزاینده که دودش مستقیماً به چشم شما می رود. اینها از جمله مصائبی هستند که رژیم ضد کارگری حاکم به زور چوب و چماق، بگیر و ببند، زندان و شکنجه بر شما تحمیل نموده است.

فقر و فشارهای محیط کار و اجبار به چند نوبت کار کردن در روز، بسیاری از کارگران را از پا درآورده و یا خانواده هایشان را از هم پاشیده است، زنان کارگر علاوه بر ستم مضاعف، از کمترین دستمزد برخوردار بوده و در عین حال اولین هدف اخراج ها هستند. تهاجم به حریم زندگی کارگران مهاجر، خاصه کارگران زحمتکش افغانستانی، تجاوز به حقوق کودکان کار و خیابانی، روزانه صدها کودک مدرسه را رها کرده به محیط کاریا خیابان ها در جستجوی لقمه ای نان روی می آورند، بازنشستگان پس از عمری تلاش و کار، با قطع یا کاهش مستمری و برخی مزایایشان مواجه شده اند، با تعطیلی مدام کارخانجات و سایر ترفندهای سرمایه داران، روزانه خیل عظیمی از کارگران به خیابان ها گسیل شده و به صف بی کاران در جستجوی کار می پیوندند، فعالین کارگری دائم تحت نظر و تعقیب بوده و هر روز با شرایط و خطرات بیشتری مواجه هستند، کارگران زندانی اکثراً سرگردان و بلا تکلیف بوده و با وجود مبتلا بودن به انواع بیماری ها نه تنها اقدامی برای معالجه آنها نمی شود، بلکه فشارهای جسمی و روانی بیشتری بر آنها وارد می شود.

اما شما یاران مبارز حتماً یک لحظه از پای ننشسته و سرسختانه در مقابل این همه ستم طبقاتی مقاومت و مقابله کردید. اعتراضات، مبارزات، نافرمانی‌ها، اعتصابات، راه-پیمایی‌ها، تحصن‌ها و سایر اشکال مقاومت و مبارزات شما، نشانه آن است که تن به این مظالم نداده و برای دفاع از حقوق و کسب مطالبات خود آگاهانه پیکار می‌کنید. تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل، هماهنگ و همسو کردن مبارزات در بخش‌های مختلف، حمایت‌های روزافزون از مبارزات هم‌طبقه‌ای‌ها در سایر واحدها، تلفیق کار علنی و مخفی و ... گام‌ها و اشکال مؤثری از مبارزه است که تداوم آن به تغییر توازن قوا به سود جبهه کار منجر خواهد شد.

ما اعضاء و نمایندگان نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج کشور، شرکت کننده در پنجمین گردهمایی حضوری این نهادها، با درود به شما یاران مبارز، خود را جزء کوچکی از این جبهه عظیم دانسته و بار دیگر تعهد می‌کنیم که امر دفاع از حقوق کارگران را مهمترین وظیفه خود دانسته و می‌کوشیم با تمام توان پاسخگوی نیازهای کارگران باشیم.

## درود بر کارگران زندانی مقاوم

### کارگر زندانی آزاد باید گردد

## سرنگون باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران

9 آپریل 2012

## نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

ایران اخبار جنبش کارگری / Iran-Arbeiterbewegung / Iran-Labour Movement

This blog provides the translation of the news about the labour movement in Iran in English German, French, swedish, etc. Dieser Blog stellt die Übersetzung der Nachrichten über die Arbeiterbewegung im Iran auf Deutsch und Englisch, Französisch, swedisch usw. zur Verfügung.

از وبلاگ خبری نهادهای همبستگی، به زبانهای مختلف، دیدن کنید

<http://iran-worker.blogspot.de/>

در این وبلاگ، ترجمه اخبار جنبش کارگری در ایران به زبان های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، سوئدی و غیره منتشر می شود

# پیام به طبقه کارگر جهان

## پنجمین گردهمایی

### نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

رفقای کارگر! دروهای گرم ورفیقانه ما را بپذیرید!

ما در شرایط حساس و تاریخی قرار گرفته ایم. جهان را بحران ناشی از آز و طمع سیری ناپذیر سرمایه داران در معرض نابودی قرار داده است. راه حل سرمایه داری برای رفع بحران مانند همیشه تحمیل برنامه های ریاضت اقتصادی است. این راه حل چیزی جز ایجاد بیکاری روز افزون میلیونی، سلب دستاوردهای مبارزات تاریخی کارگران، ایجاد جنگ □ کشتار و ... نیست. علیه شرایط موجود، مبارزات، اعتصابات، اعتراضات و تظاهرات طبقه کارگر و مردم زحمتکش در جریان است. ما می دانیم زدودن فقر، بیکاری، مالکیت خصوصی و ایجاد مالکیت اجتماعی، فقط بدست طبقه کارگر متحد و متشکل در ارگانهای طبقاتی خود امکان پذیر است.

رفقای کارگر، ما امروز در جهانی زندگی می کنیم که بعنوان مثال 100 نفر از ثروتمندان 80% از ثروتی که ناشی از ارزش اضافه نیروی کار ما است را در تصاحب خود دارند و اما سه و نیم میلیارد نفر از جمعیت که اکثریت آنها ما کارگران تشکیل می دهیم، مجبوریم با روزی 2/5 دلار زندگی کنیم و یا دو و نیم میلیارد نفر از جمعیت درآمدها در حدود نیم دلار است. در سال 2009 بر طبق گزارشات موجود "تعداد افراد میلیارد در جهان از 587 نفر به 691 نفر افزایش یافته است. همچنین میزان سرمایه این افراد با 300 میلیارد دلار بیشتر به 2 هزار و 200 میلیارد دلار رسیده است. در چنین شرایطی است که 450 میلیون کودک مجبور به کار در کارگاهها، مزارع، معادن و خیابانها شده اند. تنها 250 هزار دهقان در هندوستان بر اثر یأس و ناامیدی و استیصال ناشی از سلب مالکیت زمین زراعی شان در فاصله کوتاهی دست به خودکشی زده اند. طبقه کارگر اما در برابر چنین اوضاعی واکنش طبیعی خود را با اعتصابات عمومی، اعتراضات و تظاهرات میلیونی نشان داده است. این مبارزات تا کنون در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به سرنگونی دیکتاتورهای انجامیده است ولی با این وجود هنوز کارگران و زحمتکشان این جوامع از تمامی منافع طبقاتی خویش محروم مانده اند زیرا کشورهای



امپریالیستی برای غلبه به قیام‌های شکوهمند ستمدیدگان آفریقای شمالی و خاورمیانه، از عدم تشکل یابی وسیع کارگران استفاده نموده و از روی فریب و ریا لباس باصطلاح آزادیخواهی به تن کرده اند و بازوی نظامی آنها یعنی ناتو به دخالت مستقیم روی آورده است. ما با محکوم نمودن دولت‌های دیکتاتوری سرمایه و نیز تجاوز نظامی جوامع امپریالیستی، از مبارزات طبقاتی کارگران کشورهای تحت ستم حمایت خواهیم کرد. در چنین مسیری بحران عظیم سرمایه داری در کشورهای اروپایی چند دولت را وادار به تعویض کرده و اتحادیه اروپا را در خطر فروپاشی قرار داده است. ولی با این وجود این مبارزات هنوز قادر نگریده است که مناسبات موجود را به نفع کارگران، مردم زحمتکش و اکثریت جامعه تغییر دهد. لذا اول ماه مه امسال از اهمیت ویژه تری برخوردار است زیرا که در این روز طبقه کارگر جهانی با شعارهای واحد و مطالبات مشترک می‌تواند بر علیه سیستم جهانی سرمایه داری متحد شود و صفوف خود را هر چه بیشتر فشرده کند.

گرد همایی پنجم نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، خود را متعهد می‌داند که بیش از پیش با شرکت عملی در مبارزات ضد سرمایه داری در کنار شما، بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر پای فشارد و می‌کوشد پلی واقعی بین طبقه کارگر در ایران و جهان باشد.

## **کارگران جهان علیه سرمایه متحد شویم!**

9 آپریل 2012

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

# **بولتن اخبار کارگری**

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

آوریل - ژوئیه 2012 شماره 38 - 40

[nhkommittetehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittetehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

<http://iran-worker.blogspot.de/>

# پیام پنجمین گردهمایی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

**نه به تحریم نه به جنگ!**

**زنده باد مبارزات کارگری، سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**

صدای پای جنگ که مردم ایران مصائب شوم آن را هشت سال تمام تجربه کرده اند و افزایش شتابان تحریم های فلج کننده ای که به شکل گازانبیری شریان های حیاتی اقتصاد ایران را یکی از پس از دیگری از هم می گسلد شرایط زیست اکثریت مردم ایران یعنی کارگران و زحمتکشان را با مخاطرات جدی مواجه ساخته است.

فروپاشی مراکز تولیدی و خدماتی در تمامی سطوح، افزایش برق آسای بیکاری، تورمی که قیمت کالاها را اساسی مورد نیاز مردم را جهش آسا افزایش می دهد، فرسایش بدون جایگزینی خدمات زیربنائی، سقوط خدمات بهداشتی و درمان و کیفیت نظام آموزشی، گسترش طاعون فساد که در تمامی تارو پود جامعه نهادی شده است، فقرزدگی توده های عظیم مردم، گسترش لجام گسیخته فحشاء، جنایت و عدم امنیت اجتماعی از جمله هزینه های غیرقابل جبران اقتصادی و اجتماعی تحریم های گسترده ای است که قدرت های امپریالیستی جهانی با همدستی هم پیمانان منطقه ای شان- دولت اسرائیل و ارتجاع عرب- اکنون به صورت روزمره به مردم ایران تحمیل می کنند.

اگر خط و نشان کشیدن های مکرر دولت دست راستی اسرائیل به منظور حمله نظامی- برای نابودی تاسیسات هسته ای ایران- تهدیدهایی برای ایجاد فضای جنگی است، واقعیت گسترش روزافزون تحریم ها، جنگ روزمره ای است، که از مدت ها پیش علیه اکثریت مردم ایران آغاز شده و دائماً در همه عرصه های اقتصادی و زندگی اجتماعی در حال گسترش است.

رژیم ضدکارگری و ضد مردمی جمهوری اسلامی در طول بیش از سه دهه حکومت خود نه فقط دست همه مرتجعین تاریخ را در سرکوب آزادی های اساسی، قتل عام مخالفان، استثمار وحشیانه، غارت، چپاول، فساد و نابودی ثروت های تولید شده بوسیله کارگران و زحمتکشان از پشت بسته است بلکه با پیشه کردن سیاست های ارتجاعی و ماجراجویانه- از جمله سیاست هسته ای و غنی سازی اروانیوم- بهترین بهانه ها را برای مداخلات کشورهای امپریالیستی زمینه سازی کرده است. ما به طور قاطع مخالف تحریم های گسترده اقتصادی هستیم. برای آن که همه ظرفیت های مبارزاتی مردم برای پایان دادن به حیات ننگین رژیم جمهوری اسلامی، مشتعل شود. ما مخالف جنگ هستیم. چراکه تجارب حمله نظامی به افغانستان، عراق و لیبی نشان داده است که هیچ گاه آزادی، برابری و رهائی از طریق کوله پشتی سربازان سرمایه و موشک های کروزان ها، وارد هیچ کشوری نشده و نخواهد شد. ما خواهان متحد شدن همه جنبش های مترقی حول طبقه کارگر در ایران در مبارزه مشترک برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران هستیم.

اکنون که جنبش کارگری و جنبش های ضد سرمایه داری (نظیر جنبش خشم و جنبش تسخیر) در کشورهای سرمایه داری علیه تحمیل هزینه بحران جاری سرمایه داری به کارگران، جوانان و عموم مردم این کشورها در حال اوج یابی است، ما ضمن اعلام همبستگی با این جنبش ها آن ها را فرا می خوانیم که با سیاست ضدکارگری و ارتجاعی تحمیل شده توسط حکومت هایشان در اعمال تحریم، تهدیدات و عملیات جنگی علیه کارگران و توده های مردم رنج دیده مخالفت کنند. تحریم و جنگ نه فقط طبقه کارگر را به فقیرا فرو می برد نه فقط هر نوع امکان پای گیری دموکراسی و قدرت مردمی در را به نابودی می کشاند بلکه هزینه های آن به نوبه خود به صورت تشدید برنامه های ریاضت اقتصادی به کارگران، جوانان، زنان و اکثریت مردم این کشورها منتقل می شود.

دولت اسرائیل، ارتجاع عرب و خاورمیانه و دولت های امپریالیستی که بیداری و انقلاب عرب و دهه ها حاکمیت های ارتجاعی و بلامنزاع آن ها را به خطر انداخته است در صدد هستند تا با بهره برداری از همه امکانات موجود- احیای ضدانقلاب مغلوب، سازش با نیروهای مذهبی بنیادگر، مداخله نظامی لیبی و ...- مسیر بیداری و انقلاب عرب را منحرف ساخته و آب رفته را، دوباره به جوی برگردانند. در متن انقلاب عرب اما جنبش مستقل کارگری خاورمیانه در حال جوانه زدن و شکل گیری است. ما ضمن اعلام همبستگی مان با جنبش های کارگری کشورهای خاورمیانه، جنبش فلسطین و سایر جنبش های مترقی منطقه نظیر جنبش خشم و جنبش ضد جنگ و تحریم در اسرائیل برآنیم که تقویت جنبش کارگری و سوسیالیستی می تواند بهترین تضمین دست یابی مردم خاورمیانه به آزادی، برابری و رهائی از یوغ ارتجاع منطقه، سرمایه داری و امپریالیسم باشد.

ما نهادهای همبستگی با جنبش کارگری □ □ ایران مخالف قاطع سیاست های تحریم های اقتصادی ایران توسط دولت های غرب و متحدینش هستیم. این سیاست ها باعث تشدید فشار و گسترش باز هم بیشتر فقر و فلاکت و بی کاری در ایران خواهد شد؛ نموده های این تحریم از هم اکنون خود را در افزایش بیشتر بیکاری - افزایش قیمت ها و کمبود مواد اولیه نشان داده است. تحریم اقتصادی به جای فشار به رژیم حاکم جمهوری اسلامی بار سنگینی است به گرده کارگران و اکثریت مردم محروم در ایران. تحریم اقتصادی همچون تهدیدات جنگی هدفی ضد انسانی علیه کلیه مردم محروم جامعه و در خدمت سرمایه داری جهانی است و همچنین وسیله ای است مناسب در دست حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی برای تشدید سرکوب اعتراضات کارگری و حق طلبانه و گسترش فضای ترس و اختناق در جامعه. مبارزه مستقل طبقاتی حکم می کند که با همبستگی جهانی، تحریم اقتصادی و سیاست های جنگ طلبانه سرمایه داری جهانی و همسوی داخلی رژیم جمهوری اسلامی را همزمان محکوم کنیم.

زنده باد همبستگی جنبش کارگری با سایر  
جنبش های آزادیخواهانه مردمی در ایران،

**خاورمیانه و سراسر جهان!**

9 آپریل 2012

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

# بیانیه پنجمین گردهمایی

نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

## در دفاع از حق پناهندگی

ما فعالین متشکل در نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج کشور با آگاهی از شرایط دشوار قانونی و اجتماعی حاکم بر وضعیت پناهندگان از جمله پناهندگان ایرانی که با فرار از جهنم جمهوری سرمایه داری اسلامی و در ادامه مبارزه و افشاگری بر علیه این رژیم سرمایه داری جنایتکار و ضد انسانی قرار دارند، اوضاع جاری در این زمینه را غیر انسانی و بدور از استانداردهای مربوط به حقوق اولیه آحاد بشر و تعهد نامه های بین المللی می دانیم .

ما با ابراز نگرانی و انتقاد از سیاستهای جاری در ایران در رابطه با پناهجویان افغانستانی و برخورد نژاد پرستانه سردمداران رژیم اسلامی با آنان گرفته تا در کشورهای سرمایه داری جهان از ترکیه تا استرالیا که بدون توجه به اوضاع حاکم بر ایران تمام تلاش و توان مالی را برای اخراج پناهجویان خصوصا فعالین سیاسی بکار می بندند را یک بحران انسانی و یورش به حق انسانها می دانیم .

متأسفانه حقایق موجود و رفتار سیاسی و دوگانه کشورها در مورد رفتار با پناهجویان، ناشی از این امر است که دولتها برای منافع مادی و سیاسی و برای دفاع از منافع و سود سرمایه داران پرطمع از هیچ عملی از تضييع حق اولیه انسانها گرفته تا تحویل پناهندگان به دولت های دیکتاتور و شکنجه گرابائی ندارند و این امر با توجه به شعار و ژست دفاع از دموکراسی ماهیت محافظه کار و معامله گر آنها را بیش از پیش نمایان می سازد .

ما معتقدیم مبارزه برای احقاق حقوق پناهندگی در شرایطی که حقوق انسانی بویژه حقوق کارگران در سراسر جهان و ایران از طرف سرمایه داران و دولت هایشان مورد یورش قرار گرفته و دولت های باصطلاح دموکرات کنونی نه فقط مصوبات کنوانسیون ژنو که حتا قوانین تصویب شده خود را نیز نادیده می گیرند و به آنها عمل نمی کنند یک ضرورت است و ما نیز خود را همراه و همگام با این مبارزه می دانیم .

در شرایط حاضر مبارزه در این عرصه مستلزم اتحاد، تشکل و همبستگی عمومی و مجهز شدن به آخرین اطلاعات، قوانین و ابزار این همبستگی بوده و اراده عمومی نهاد ها، گروهها و فعالین این عرصه را طلب می کند، چرا که در غیر این صورت شکی نیست که یورش به حق انسانها ابعاد گسترده تری را شاهد خواهد بود .

از اینرو، ما نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، ضمن محکوم کردن سیاست های پذیریش پناهنده دولت ها در سراسر جهان سرمایه داری، خود را با هر فعالیت و اقدامی که متضمن حق انتخاب مکان و زندگی شایسته و در شان انسانی باشد، شریک می دانیم و قویا از تمامی اقدامات در این رابطه پشتیبانی کرده و دولتهای اروپایی را به رعایت توافقتنامه ها و کمیسیونهای بین المللی و قوانین داخلی خود در حمایت از حقوق پناهندگان دعوت می کنیم .

9 آپریل 2012

### نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



# جنایات مزدوران جمهوری اسلامی علیه زحمتکشان افغان را قویاً محکوم می‌کنیم!

بربریت و درنده‌خویی مزدوران جمهوری اسلامی علیه کارگران و خانواده‌های افغانستانی به اوج سب‌بیت خود رسیده است.

بعد از سال‌ها اعمال همه‌گونه فشار و تضييع و تبعيض و استثماری، تحقیر و محرومیت-های غیر انسانی علیه پناهندگان از همه جا رانده و آواره افغانستانی، اینک ارادل و اوباش بشکل سازمانیافته، همچون ایلغار چنگیزی به جان مردم شریف و از همه سو ستم دیده افغان در شهر یزد افتاده، وحشیانه خانه‌هایشان را به آتش می‌کشند، دار و ندارشان را می‌سوزانند، به روی زن و فرزندان‌شان بنزین ریخته و زنده زنده آن‌ها را می‌سوزانند، بیمارستان‌ها از پذیرفتن مجروحین آن‌ها خودداری می‌کنند و باقی‌مانده آن‌ها بدون هیچ امکان و وسیله‌ای به بیابان‌های اطراف متواری شده‌اند.

ظاهراً افرادی متعصب و نا آگاه در یزد، در کنار ارادل و اوباش سازمانیافته برای انتقام از تجاوز کردن و قتل یک دختر ۱۸ ساله (احتمالاً توسط دو افغانستانی) غیرتی شده و "به طور خودانگیخته" در دسته‌های منظم ۲۰۰ - ۳۰۰ نفری اقدام به "نهی از منکر" نموده‌اند! مأمورین انتظامی نیز که ناظر بر این جنایات بودند، برای این‌که به "بی غیرتی" متهم نشوند، در این وحشیگری‌ها شریک شده و به جای جلوگیری از این تجاوزات، افغانستانی‌هایی را که مقاومت کرده و با جیره خواران بارگاه اسلامی درگیر شده‌اند، دستگیر کرده و به زندان می‌اندازند.

در مملکتی که اسلام قانونش است و "ولی و قیح" اش بالاتر از قانون، اجرای قانونش نیز این گونه اسلامی است! مگر از روز اولی که اریکه را غصب کرده و بر قدرت تکیه زدند، با شعارهای درشت بر دیوارها اعلام نکردند: "اسلام با خون رشد کرد"؟ و برای آن‌ها که تاریخ را باور نکرده و یا به یاد نداشتند، در کشتارهای کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، ۳۰ خرداد سال ۶۰، قتل عام زندانیان سیاسی دهه ۶۰، قتل‌های

زنجیره‌ای، جنایات کوی دانشگاه، ترورهای سیاسی خارج از کشور و ... این حقیقت را بارها و بارها در عمل نشان نداده و اثبات نکردند؟ بله، اگر حکومت آنها بیش از ۳۰ سال است که دوام آورده به همین دلیل است که پایه‌هایش را با خون هزاران انسان مبارز آبیاری کرده‌اند و اینک برای دوام بیشتر و حفظ بیضه و ناموس اسلام، تشنه خون پناهندگان افغانستانی شده‌اند.

متأسفانه تمام رسانه‌های بین‌المللی خفقان گرفته و در هیچ جا خبری از این جنایات وحشیانه نیست و دنیا از چنین اعمال بربرمنشانه‌ای بی‌خبر است. لذا بر ماست که صدای رسای این عزیزان شده و فریاد حق طلبانه آنها را به گوش جهانیان برسانیم.

سکوت در برابر چنین جنایات وحشیانه‌ای جایز نیست، ما این تجاوزات غیر انسانی را به عنوان جنایت علیه بشریت شدیداً محکوم کرده و از همه انسان‌های آزاده بویژه کارگران ایران می‌خواهیم که در دفاع از هم‌طبقه‌های خود بپا خیزند و خواهان توقف این اعمال وحشیانه، جبران خسارات وارده و به رسمیت شناختن حقوق انسانی پناهندگان، طبق قوانین بین‌المللی بشوند.

**دست مزدوران جمهوری اسلامی از جان و مال و حقوق زحمتکشان افغان کوتاه!**

**با تمام توان به یاری هم‌طبقه‌ای‌های افغان برخیزیم!**

**زنده باد همبستگی بین‌المللی!**

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

۱۳ تیر ۱۳۹۱ برابر با ۳ ژوئیه ۲۰۱۲

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

**از حقوق کارگران و زحمتکشان افغانستان در ایران دفاع نمایم**

سالیان درازی است که مردم رنج‌دیده و زحمتکش افغانستان زندگی سخت و پرمشقتی را در جامعه ایران سپری می‌سازند. آنها از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی برخوردار نیستند و چه بسا فرزندان‌شان را برای تحصیل در مدارس نمی‌پذیرند و کارهای طاقت‌فرسا و برده‌گی قرون وسطایی بر دوش آنهاست و اتباع بیگانه غیر قانونی را به آنها نسبت می‌دهند.

دهند، در حالی که افغانستانی ها هم اینک، طبقه کارگر ایران محسوب می شوند. کارگرانی که در بیابان ها و جاده ها به کار مشغولند، حفر چاه، گودبرداری های خطرناک و ساختمان سازی و فعالیت در اعماق معادن از کارهای بسیار دشواری است که انجام می دهند و در مقابل استثمار شدید کمترین دستمزدها را دریافت می دارند. اینکه ماموران امنیتی جمهوری اسلامی در پارک لاله، کارگران و فعالان ایران را همراه با افغانستانی ها، با ضرب و شتم دستگیر می کند، نمونه ی کوچکی است که همبستگی کارگری را در ایران جلوه گر می سازد. از آنجا که فرزندان مهاجران افغانستان، محروم از تحصیل هستند، بخشی از کودکان کار و خیابان را تشکیل می دهند. واقعیت این است که مجموعه ی این شرایط سبب شده است که از طرف حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران، افغانستانی ها تحقیر می شوند و در زیر شکنجه های شدید روحی قرار دارند و اگر خطایی (که محصول جامعه ی سرمایه داری است) از آنها صورت پذیرد، اوباشان اسلامی در جای جای کشور ایران به کارگران و زحمتکشان افغانستانی حمله ور و جنایت های بی شماری علیه آنها مرتکب می شوند.

نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی فراموش می کند که به دلیل خشونت های مداوم و روزمره، از طرف حاکمان و نیز محرومیت های اجتماعی، جنایت در سراسر جامعه بیداد می کند، ولی در برابر خطا و جنایتی که از طرف شهروندان افغانستانی صورت گیرد، باید تمام افغانستانی ها پاسخگو باشند؛ در نتیجه آواره می شوند و حتا در گریز از مرگ و نجات جان خویش به صورت گروهی، از طرف پاسداران اسلامی کشته می شوند.

در سال های اخیر بسیاری از کارگران افغانستانی در زیر شدیدترین استثمار سرمایه داری ایران، در حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست داده اند و نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی حتا از اعلام نام آنها خودداری می کند که تعدادشان بسیار زیاد است.

با چنین وضعیتی و با تهاجم وحشیانه ای که به مردم افغانستان و خانواده ی آنها در ایران صورت می گیرد، وظیفه ی بدیهی ماست که از حقوق کارگران و زحمتکشان افغانستان دفاع نمائیم و نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را که آگاهانه اینگونه حمله های وحشیانه را مستقیماً به عهده دارد، افشا سازیم؛ چرا که آنها به طبقه کارگر ایران تعلق دارند و کارگران و فعالان کارگری نیز با دفاع طبقاتی از هم طبقه ای های خویش، علاوه بر اینکه چهره ی کریه رژیم اسلامی را نزد افکار عمومی رسوا می کنند، همبستگی کارگری را نیز به وجود می آورند.

**همبستگی طبقاتی با جنبش کارگری - پاریس**

۱۳ تیر ۱۳۹۱ - ۵ ژوئیه ۲۰۱۲

### **در محکومیت حمله به کارگران افغان**

**کارگران، مردم شریف و آزاده!**

همانگونه که مطلعید روز سه شنبه پنجم تیر ماه سال جاری در پی خبر قتل یک دختر جوان در یزد، عده ای مردم ناآگاه و متعصب، انگشت اتهام را به طرف خانواده های کارگران مهاجر افغان، در آن محل نشانه رفتند و در کسری از ثانیه



متأسفانه جان و مال آنان طعمه‌ی آتش نفرت این انسان‌ها شد.

در این فاجعه‌ی ناگوار تعدادی از این شهروندان افغان زنده زنده در آتش سوختند و عده‌ای هم به شدت مجروح شدند. البته این فجایع طی سال‌های اخیر برای طبقه‌ی کارگر به طور عام و کارگران افغان به طور خاص (با شدت بیشتر)، امری بس عادی شده است. چون روزی نیست که کرامت انسان کارگر زیر یوغ سرمایه، خوار و خفیف نشود؟! روزی نیست که کارگری در اثر حادثه‌ی محل کار محکوم به مرگ نشود؟! روزی نیست که کارگری از کار خود اخراج و بیکار نشود؟! روزی نیست که انسانی به دلیل فقر و بیکاری و برای فرار از این وضعیت، به دامن دزدی، تن‌فروشی، اعتیاد و... نیفتاده باشد؟!!

### کارگران!

این شرایط در حالی برای افغان‌ها پیش می‌آید که این کارگران برای رهایی از تمامی مصیبت‌هایی همچون بیکاری، فقر، جنگ داخلی، سلطه‌ی خارجی، طالبان و... که روزانه با آن دست به گریبان‌اند؛ ترک دیار گفته و به شیوه‌های مختلف برای یافتن کاری وارد ایران، پاکستان و... می‌شوند. اما با ورود به این کشورها، تازه مصیبت‌ها آغاز می‌شود به گونه‌ای که حتی بدیهی‌ترین حق آنها که هویت‌شان باشد به رسمیت شناخته نمی‌شود. با چنین وضعی این کارگران برای بدست آوردن اندک نانی که بتوانند شکم خود و خانواده‌هایشان را سیر کنند حاضرند سخت‌ترین کار را به جان بخرند و نیروی کار و تن نحیف خود را در قبال مزدی ناچیز برای تولید ارزش افزوده برای سرمایه‌داران و حامیان‌شان، بفروش برسانند. اما می‌بینیم که این کارگران روزانه مورد بی‌حقوقی و بی‌حرمتی‌های فراوانی قرار می‌گیرند و با ترویج این ذهنیت کاذب و دروغین در میان مردم، که گویا دلیل اصلی بیکاری در ایران وجود کارگران افغان و نیروی کار ارزان آنهاست؛ سعی در سرپوش گذاشتن بر روی مسایل حاد پیش آمده در جامعه می‌کنند.

در همین راستا ما تعدادی از کارگران و فعالین کارگری ضمن محکوم کردن این اعمال فاشیستی در قبال کارگران افغان و اتباع خارجی، خواهان پایان بخشیدن به هر گونه اعمال ضد انسانی هستیم و از تمامی انسان‌های آزاده در ایران می‌خواهیم به هر طریق ممکن و برای جلوگیری از تکرار این اعمال شنیع اعتراض خود را اظهار دارند و از خانواده‌های مهاجر افغان حمایت کنند.

اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری سنندج، انجمن برق و فلز کار کرمانشاه

جمعی از فعالین کارگری سنندج، جمعیت خیاطان، کابینت سازان، آرایشگران سنندج

جمعی از خبازان سنندج و حومه، شورای کارگران بیکار

**از کارگران افغانی در مقابل تهاجم تازه دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی به آنها دفاع کنیم**

### کارگران!

همانطور که شاهد هستیم بیکاری، افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها، فقر، گرسنگی، اعتیاد و... هر روز بیشتر از روز قبل در جامعه افزایش می‌یابد و خشم و نفرت مردم بخصوص کارگران بیشتر می‌شود چرا که مردم می‌بینند عده کمی از

افراد جامعه که سرمایه دار و یا وابستگان به حکومت هستند در ناز و نعمت بسر برده و از برکت همین بحران های اجتماعی و اقتصادی جیب های خود را پر می کنند و در مقابل کار به استخوان اکثریت مردم رسیده است، بطوریکه حتی روزنامه های رسمی نیز در تحلیل های خود بوجود آمدن شورش های اجتماعی را دور از ذهن ندانسته اند. در این شرایط دولت مدافع سرمایه داران برای انحراف اذهان مردم از دلایل بیکاری و سایر مشکلات اقتصادی - اجتماعی مردم حمله به کارگران افغانی را در دستور کار خود قرار داده است. این تهاجمات اگرچه در سال های گذشته هم وجود داشته است ولی در سال جاری در روز سیزده نوروز توسط یکی از عوامل حکومتی در اصفهان کلید خورد و افغان ها را از ورود به پارک صفا ممنوع کرد. در مرحله بعدی استاندار مازندران دستور اخراج کلیه افغان ها اعم از مهاجرین دارای مجوز و بدون مجوز را از آن استان صادر کرد. بدلیل همین برخورد های تبعیض آمیز و نژادپرستانه که عامدانه و بطور علنی از رسانه های عمومی پخش می شود، زمینه چنان فراهم شده است که وقتی در شهر یزد یک نفر جنایتکار ( که هنوز هم بطور قطعی مشخص نشده است فرد جنایتکار افغانی بوده است یا غیر افغانی) به دختری جوان تجاوز کرده و سپس وی را بقتل می رساند، جمعیتی از مردم ناآگاه و تحریک شده به خانه های افغانی ها در آن شهر حمله کرده و افغانی های ساکن چه مرد، چه زن و چه کودک را وحشیانه کتک زده و محل سکونت آنها را به آتش می کشند. شایع شده است که تعدادی از افغان ها را در آتش می سوزانند. همین جا بایستی توضیح داد که حتی اگر آن فرد جنایتکار افغانی هم باشد گناه کارگران و زحمتکشان افغانی و زن بچه های آنها چیست؟ چرا آنها بایستی تاوان جنایت یک فرد را بدهند و یا چرا آنها بایستی تاوان همکاری و امضاء پیمان مشترک دولت افغانستان با آمریکا را بدهند اخیراً هم در اقدامی هماهنگ مدیر کل اتباع و مهاجران خارجی در استان فارس ناوایی ها، سوپرماکت ها و مراکز فروش مواد غذایی را تهدید کرده است که در صورت ارائه خدمات به افغانی ها مغازه اشان پلمپ و خودشان جریمه خواهند شد.

کارگران افغان با رنج و زحمت و کار خود بخشی از ثروت این جامعه را بوجود آورده اند که خود صاحب آن نیستند، همانگونه که کارگران ایرانی از هر قومی چه لر، چه کرد، چه فارس، چه بلوچ... با کار خود ثروت این جامعه را بوجود آورده اند ولی خود صاحب آن نیستند. کارگران فقط از طریق اتحاد و پشتیبانی از همدیگر در مقابل سرمایه داران می توانند از منافع خود دفاع کنند و تهاجم سرمایه داران را عقب بزنند. بهمین دلیل دفاع از کارگران افغانی زمینه را برای جلوگیری از تهاجم بیشتر سرمایه داران و کم کردن فشار بیشتر به طبقه کارگر فراهم می کند.

**کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران**

**بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون حوادث تاسف بار شهر یزد**

**به اعمال فشار و تبعیض بر مهاجرین افغانی باید برای همیشه پایان داده شود**

روزی نیست که معضل بیکاری از طریق رسانه ها و بلندگوهای رسمی بر دوش کارگران مهاجر افغانی در ایران سرریز نشود، روزی نیست که وجود ناهنجاریهای شدید اجتماعی در ایران از قبیل قتل و تجاوز، قاچاق مواد مخدر و تن فروشی و... به کارگران و مهاجرین افغانی منتسب نشود. روزی نیست که حساسیت اجتماعی از سوی رسانه ها و بلندگوهای رسمی نسبت به مهاجرین افغانی دامن زده نشود. فقط همین مانده است تا گرانی سرسام آور مسکن و هزینه های زندگی نیز بر دوش این مهاجرین انداخته شود! اما برای ما کارگران ایران واقعیت چیز دیگری است، کارگران مهاجر افغانی در ایران هم طبقه ای های ما هستند. این کارگران همچون میلیونها کارگر و مهاجر ایرانی که به سایر کشورها مهاجرت کرده اند و در آنها زندگی میکنند به ناچار و بر خلاف میلشان و به امید برخورداری از یک شرایط امن تر برای ادامه زندگی به ایران آمده اند.

کارگران و مهاجرین افغانی هیچ نقشی در تولید و باز تولید ناهنجاریهای شدید اجتماعی در ایران ندارند، هر روزه صفحه حوادث روزنامه‌ها مملو از اخبار قتل و تجاوز، قاچاق مواد مخدر، دزدی و سایر جنایت‌هایی است که هیچ مهاجر افغانی نقشی در آن نداشته است. پدیده تجاوز به زنان و قتل آنان از جمله ناهنجاری‌های بسیار ضد انسانی است که وجود آن و تولید و باز تولیدش مستقیماً ناشی از کل شرایط اقتصادی اجتماعی حاکم بر کشور است و بروز آن هیچ ربطی به ملیتهای ساکن در ایران و بویژه مهاجرین و کارگران افغانی ندارد.

ما با ابراز تاسف عمیق از حوادثی که برای هم طبقه‌ایهای بسیار عزیز و گرانقدر افغانی مان در شهر یزد پیش آمد، تعرض به آنان در شهر یزد را قویاً محکوم میکنم، همبستگی خود را با طبقه کارگر افغانستان، بویژه کارگران افغانی ساکن در ایران اعلام میداریم، خود را شریک غم و اندوه آسیب دیدگان حادثه تاسف بار شهر یزد میدانیم و مصرانه بر تحقق خواستههای زیر پای می فشاریم:

- ۱- روشن سازی ابعاد هر آن چیزی که بر مهاجرین افغانی در حادثه شهر یزد گذشت
- ۲- محاکمه فوری و علنی عاملین و آمرین حمله به مهاجرین افغانی در شهر یزد
- ۳- پایان دادن به هر گونه تبعیض نسبت به مهاجرین افغانی و دیگر ملیتهای مهاجر ساکن در ایران
- ۴- اعطای حق شهروندی به کلیه مهاجرین افغانی و غیر افغانی ساکن در ایران
- ۵- ممنوعیت هر گونه تبلیغات رسمی و غیر رسمی که به هر شکلی به حساسیتهای قومی و ملی نسبت به کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها دامن میزند
- ۶- تبلیغ و ترویج رویکردی انسانی به پدیده کارگران مهاجر از طریق رسانه های عمومی و کثیرالانتشار

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۷ تیر ماه ۱۳۹۱

### بیانیه چهل تن از فعالین سیاسی، مدنی داخل کشور پیرامون حمله به مهاجران افغانستانی

سرزمین ما «انسانی» است نه «خاکی»!

آه بگذارید سرزمین من

سرزمینی شود که در آن،

آزادی را

با تاج گل ساخته گی و وطن پرستی نمی آرایند.\*

سیاست‌های غیر انسانی دولت ایران مقابل مهاجران افغانستانی که از آغاز سال جاری با ممنوعیت ورود این مهاجران به اماکن تفریحی شدت گرفته بود، اکنون شکل بسیار خطرناکی یافته است. در تازمترین مورد که در هفته نخست تیرماه رخ داد، با انتشار خبر دست داشتن مهاجرین از افغانستان در قتل یک زن در یزد، منازل مهاجران در این شهر مورد هجوم قرار گرفت و افراد و خانواده‌های بسیاری مورد تهدید و آزار واقع شدند. در نتیجه‌ی سیاست‌های مذکور عده‌ای راه را بر خود هموار دیده‌اند تا بدون هرگونه وا همه و به بهانه دفاع از «وطن» و «ناموس» دست به چنین اعمال غیر انسانی و نژاد پرستانه‌ای بزنند. اعمالی که انجام آن جز با همراهی ضمنی حاکمیت دشوار می‌نماید. بی‌قانونی و رفتار غیر انسانی علیه مهاجران در سایر نقاط ایران هم ابعاد گسترده‌ای یافته است. در استان فارس یک مقام وزارت کشور گفته است که همه شهروندان می‌توانند و باید جلوی اتباع خارجی را بگیرند و از آن‌ها کارت اقامت بخواهند.

اقدامات سال‌های اخیر در محروم کردن مهاجران از تحصیل؛ در احضارهای مکرر و بی‌قاعده‌ی آن‌ها برای تعویض کارت اقامت در قبایل مبالغه‌کلان؛ در فرستادن‌شان به اردوگاه‌هایی با شرایطی به شدت غیر انسانی و متهم کردن‌شان به این که عامل بیکاری هستند، همگی اعمالی به شدت غیر انسانی و محکوم‌اند. حمله به خانه‌های مهاجران به بهانه این که

فردی از آن‌ها متهم به جرمی شده است اقدامی جنایتکارانه است که در یک نظام قضایی سالم باید به سرعت و شدت مورد پیگرد قرار گیرد. علاوه بر این در چنین مواردی نمایندگان سازمان‌های مستقل و نیز مقامات دولتی افغانستان باید امکان دسترسی به مهاجران و واریسی حقایق و اعلام آن را بیابند.

دولت ایران، که اکنون بنا بر وضعیت نامناسب و ویژه اقتصادی، به شدت تحت فشار نارضایتی‌های گسترده از سوی کلیه اقشار به ویژه کارگران و مزدبگیران است و همین‌طور نرخ بالای جرایم و آسیب‌های اجتماعی گوناگون که بدون شک معلول شرایط فعلی است، سعی می‌کند با مجرم و تبهکار جلوه دادن مهاجران، بار مسئولیت خود را در قبال این نابسامانی‌ها کاهش دهد. همچنین با دامن زدن به احساسات، سیاست حامی پروری خودش را در عرصه تقویت تعصبات ناسیونالیستی نیز به آزمون بگذارد. از سوی دیگر با سوء استفاده از مسئله مهاجران، به نوعی با دولت افغانستان بر سر اختلاف‌های دیپلماتیک تسویه حساب نماید. در حالی که این مهاجران خود بزرگترین قربانی حکومت افغانستان و نظامی‌گری غرب در منطقه هستند.

ما امضاکنندگان این بیانیه خواستار برچیده شدن هرگونه تبعیض و رفتار غیر انسانی از سوی حاکمیت و یا پاره‌ای از مردم با مهاجران هستیم. بی‌شک در این بین برخی از مردم نیز با اتکا به باورهای نادرست خود، سیاست‌های غیر انسانی حاکمیت را باز تولید می‌کنند. خواستار آنیم به هر کودک زاده شده از پدر و مادر افغانستانی به محض تولد در خاک ایران تابعیت ایرانی داده شود و نیز تابعیت علاوه بر پدر بی هیچ قیدی از مادر نیز به کودک منتقل شود (فارغ از محل تولد). خواهانیم تا تمام پرونده‌های پناهجویان افغان در کمیسیون‌های دموکراتیک که از خود افغانها هم اعضایی خواهد داشت و با حضور فرد پناهجو، مورد بررسی قرار گرفته و بسته به نظر کمیسیون، پناهندگی اعطا شود و یا اقامت‌های موقت و دائم به ایشان تعلق گیرد. هیچ پناهجویی را نمی‌توان مشمول اخراج از کشور و یا محدودیت سفر در داخل کشور دانست.

ما می‌خواهیم ایشان از تمام تسهیلات شهروندان ایرانی اعم از بیمه و آموزش و بهداشت و مراجعه به محاکم قضائی و... برخوردار باشند. همچنین حکومت طرح‌هایی را برای جذب هر چه بیشتر افغانستانی‌های مقیم ایران در جامعه تدارک دیده و در گام اول با تخصیص بودجه، عقب افتادگی‌های آموزشی آنان را جبران کند. فی الحال و در اقدامی فوری عاملان و آمران حمله به خانه‌های مهاجران در یزد باید تحت پیگرد قرار گیرند و دولت ایران باید رسماً به خاطر وارد آمدن این آزارها به مهاجران از آن‌ها و از شهروندان خود عذرخواهی کند.

ما نمی‌خواهیم سرزمینی که در آن زندگی می‌کنیم آلوده به ننگ آزار مهاجران و حملات وحشیانه به آنها باشد و باور داریم حقوق همه جانبه انسانی امری است که به هیچ بهانه‌ای چون ناسیونالیسم و نژاد و مذهب، قابل معامله نیست. ما به عنوان افرادی که به این مساله می‌اندیشند حاضر نیستیم هویت خود به جای انسان بودن و حقوق برابر برای همه انسان‌ها را به گونه‌ای تعریف کنیم که خود را بنا بر نژاد، رنگ پوست، مذهب، طبقه، جنسیت، قوم، زبان، پوشش و امثالهم بالاتر از انسان‌های دیگر بدانیم، و بنابر آن تعریف، حق تعرض به حقوق ایشان را برای خود قائل شویم. ما بنابر هویت مشترک همه ابناء بشر، معتقدیم ذات انسانی ما هویت مشترک همه ماست و از این رو، حق تحصیل، زندگی یا عدم زندگی در یک مکان، اشتغال، برخورداری از امکانات بهداشتی، رفاهی، آموزش، تغذیه مناسب و مانند آن را برای همه انسان‌ها به یک میزان و به طور برابر قائل هستیم.

ما نمی‌خواهیم بی‌قانونی و حمله به خانه‌های مردم بی‌دفاع و واکنشی طبیعی قلمداد شود. ما به همه اقدامات غیر انسانی و تبعیض آمیز علیه مهاجران اعتراض داریم و آن‌ها را محکوم می‌کنیم و خواستار پایان یافتن این نوع اقدامات و رسیدگی فوری و منصفانه به آن‌ها هستیم.

#### امضا کنندگان بیانیه:

یونس آبسالان/ سعید آقام علی/ پریسا ادیب زاده/ امیر امیرقلی/ مریم امیری/ سیامک امین/ مصطفی بذری/ نسیم بنی

کمالی/ مهدی بیات/ محسن پریزاد/ یاشار پورخامنه/ بهنام تهرانی/ حسام چوپانی/ سعید حسن زاده/ فرزاد حسن زاده/  
اختای حسینی/ محمد خانی/ مهسا خبراللهی/ بابک ذاکری/ حسام سلامت/ اشکان شریعتی/ فواد شمس/ محبوبه شمس/  
ارسلان صادقی/ خسرو صادقی بروجنی/ بیتا صمیمی زاد/ یاسر عزیزی/ سورنا عمید/ محمد غزنویان/ مصطفی غلام  
نژاد/ امیر فیروزی راد/ مهدی محمدی/ علی مظفری/ علی معظمی/ حسام مناہجی/ مریم موسوی/ حسین نادری/ الناز  
ناطق/ علی رضا نجمی.

\* لنگستون هیوز، ترجمه‌ی احمد شاملو

## گزارشی از تظاهرات 14 ژوئیه در کلن

در اعتراض به حملات وحشیانه و ضد انسانی عمال جمهوری اسلامی در یزد نسبت به شهروندان افغانستانی و حمایت از این مردم ستمدیده، گروه‌های وسیعی از نیروهای چپ و مترقی کلن و فرانکفورت تظاهرات بزرگ و موفقیت آمیزی را در روز شنبه 14 ژوئیه از ساعت 16 تا 18 برگزار کردند.

برگزار کنندگان این آکسیون که طی جلساتی آنرا تدارک دیدند عبارت بودند از:

- دسته 8 مارس افغانستان (فرانکفورت)
- نشریه روشنگر (فرانکفورت)
- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران-غرب آلمان
- کانون همبستگی با کارگران در ایران-نوردراین وستفالن
- جمعی از چپ‌های کلن
- حزب کمونیست ایران (کلن)
- حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست)
- راه کارگر-هیئت اجراییه (بوخوم)
- علاوه بر اینها حزب کمونیست کارگری ایران، هسته اقلیت، منشعبین از حزب حکمتیست، راه کارگر (کمیته مرکزی و انارشیستهای کلن نیز از این آکسیون حمایت کردند. لازم به ذکر است که نقش منفردین چپ و رادیکال و دمکرات در این آکسیون چشمگیر و مؤثر بود.

حزب کمونیست کارگری با وجودی که در مذاکرات اولیه بالاخره توافق کرد که فراخوان مشترک امضاء کند و جزو برگزار کنندگان باشد، اما روز بعد اعلام انصراف داد و فراخوان مستقل خودشان را دادند، اما بعنوان حمایت کننده، فعالانه در آکسیون شرکت کردند و حتی بخش عمده‌ی تدارکات و امور فنی را بعهده گرفتند. با وجود این سعی بسیاری نمودند که تظاهرات را به نام خودشان تمام کنند (با بالا بردن پرچم هایشان، نصب تابلوی شان در جلوی میز، بیش از حد مقرر صحبت کردن و ...).

برنامه علیرغم طوفان و باران شدید که امکان هیچ کاری را نمیداد با سخنرانی‌ها و پیامهای نمایندگان گروه‌های برگزارکننده و حمایت کننده در زیر چادر شروع شد. چند گروه افغانی از فرانکفورت و کلن و شهرهای اطراف با سخنرانی و قرآنت پیام و شعرخوانی، نقش فعالی در این آکسیون داشتند. جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران با اجرای یک برنامه‌ی صحنه‌ی اعدام، سهم خود را در این آکسیون ادا کردند.

نماینده حزب مارکسیست – لنینیست آلمان طی سخنان کوتاهی ضمن محکوم کردن اعمال فاشیستی جمهوری اسلامی علیه مردم افغانستان، حمایت خود را از آکسیون اعلام نمود.

گروهی از جوانان مارکسیست، آنارشیست و رادیکال آلمانی و خارجی به نام “No Border Camp” (کمپین بدون مرز) که از چند روز پیش کارزاری را در حمایت از پناهندگان و علیه قوانین ضد پناهندگی دولت آلمان برگزار کرده بودند، برای اعلام همبستگی با تظاهرات ما از محل کمپ خود بطور جمعی و با مراقبت پلیس بسوی ما آمدند. اما با ملاحظه‌ی پرچم حزب کمونیست کارگری در اجتماع ما، ابتدا صف خود را جدا کرده و سپس نماینده‌ی خود را انتخاب کردند که پیامشان را اعلام کنند. نماینده یک نفر ایرانی بود که فارسی صحبت میکرد. او بجای اعلام پیام همبستگی، اعلام کرد که ما میخواهیم بگوئیم که چرا این آکسیون را به اعتراض ترک می‌کنیم و علت آن با توجه به تجربه‌ی ای که در آکسیون پناهندگان در شهر ورتسبورگ داریم، حضور حزب کمونیست کارگری در اینجا است که از نظر ما یک جریان فاشیستی است و .... در این لحظه افراد حزب کمونیست کارگری شروع به هو کردن و سرو صدا نمودند و چند نفر از آنها به آن نماینده و مترجمش

حمله کرده و قصد زدن آنها را داشتند، که جلوییشان گرفته شد و این وضعیت که برای لحظاتی برنامه را متشنج و مختل نمود، با دخالت مسئولین بزودی کنترل را بدست گرفته و برنامه منظمأ بکار خود ادامه داد.

در حاشیه این حادثه، افراد حزب کمونیست کارگری آن جوانان را متهم کردند که جاسوسان جمهوری اسلامی بوده و از جمهوری اسلامی پول گرفته و وابسته به جریان سبز و موسوی چی هستند و... از جمله جوان مترجم را که فرزند یکی از رفقای ما و جوان رادیکالی است و در آن کمپین نقش فعالی دارد به این اتهامات ناشایست متهم نمودند. این برخوردها و سایر رفتار اینان، تمامی گروه های برگزار کننده را به این نتیجه رساند که دیگر با این جریان هیچگونه برنامه مشترکی به هیچ شکل نداشته باشند، مگر تا زمانی که خود را تصحیح کرده، حد و حدود خود را شناخته و حقوق سایر گروه ها را برسمیت بشناسند.

این برنامه با خواندن قطعهنامه و سر دادن چندین شعار و پخش سرودهای انقلابی افغانی و ایرانی به پایان رسید.

بدنبال آکسیون هفنه پیش در اعتراض به تهاجم نیروهای جمهوری اسلامی به مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های مستقل کارگری و دستگیری حدود 60 نفر از آنان که توسط 6 حزب و سازمان و نهاد مشترکاً برگزار شد و بسیار موفقیت آمیز بود، این آکسیون که با نیروهای بیشتری و در سطح وسیعتری برگزار شد دومین گامی در همکاری و فعالیت مشترک نیروهای چپ بود که امید می رود با تداوم این حرکات و روحیات و مناسبات وحدت طلبانه بر پراکندگی و سکتاریسم موجو در نیروهای چپ غلبه کرده و افق روشنتری از نقش نیروهای چپ در صحنه سیاسی به نمایش بگذارند.

### کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران-غرب آلمان





## فراخوان به تجمع اعتراضی در حمایت از

### حقوق شهروندان افغان در ایران - لندن

سازمان زنان ۸ مارس ( ایران - افغانستان ) - انگلستان

رژیم نژادپرست جمهوری اسلامی بار دیگر حمله گسترده و سازمانیافته ای را علیه افغانی های مقیم ایران براه انداخته است. برخورد نژادپرستانه نسبت به شهروندان افغانی در ایران در 30 سال گذشته پیوسته ادامه داشته و هیچ گاه متوقف نشده است.

پیش در آمد جنایات اخیر در بزد، حمله نژادپرستانه ای است که از طرف رژیم در سطح کشور و استانهای مختلف به اجرا در آمده است. تا کنون حضور شهروندان افغان در 28 استان از 31 استان ایران کاملا ممنوع و یا بخشا محدود شده است. در استان فارس ارائه هر گونه خدمات از قبیل استفاده از وسائل نقلیه، تحصیل، تهیه دارو و حتی فروش مواد غذایی به شهروندان افغان ممنوع اعلام شده است.

میلیونها کارگر و زحمتکش افغانی در اثر مداخلات امپریالیستها و جنگ های داخلی بین بنیادگرایان و با پشتیبانی مستقیم جمهوری اسلامی از امپریالیستها و بنیادگرایان در افغانستان، مجبور به ترک کشور خود و پناه آوردن به کشورهای همسایه و سایر کشورهای جهان شدند.

کارگران و زحمتکشان افغان در ایران، به جانکاه ترین کارها تحت بدترین شرایط در کوره پزخانه ها، مزارع، کشتارگاهها، کارهای ساختمانی، سنگ بری، چاه کنی و کارهای نظافتی و... تن داده اند و در محروم ترین محله ها و فقیرانه ترین خانه ها زندگی می کنند. از هیچ حقوق شهروندی برخوردار نیستند، امنیت جانی و شغلی ندارند. مورد تحقیر و اهانت نژاد پرستانه ارذل و اوباشان رژیم و افراد نا آگاه متأثر از فرهنگ و شونیزم ایرانی قرار دارند. در این میان زنان افغانی علاوه بر فرودستی حاکم بر زنان در جامعه، بخاطر افغان بودن شان نیز تحت بدترین فشار ها قرار می گیرند و از این رو جزو ستم دیده ترین ستم دیده گان جامعه هستند.

کارگران و زحمتکشان افغانستانی که در ایران زندگی می کنند بخشی جدایی ناپذیر از مردم ایران و طبقه کارگر را تشکیل می دهند و این حق مسلم آنها است که در هر جای ایران سکونت کنند و از خدمات ارائه شده توسط خود و بقیه مردم و منابع و تولیدات جامعه بهره مند گردند.

بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی می خواهد با هجوم وحشیانه و جنایتکارانه به شهروندان افغان، اذهان توده های مردم را از بحران سیاسی و اجتماعی گسترده که دامنگیر رژیم اش است، منحرف کرده و چند صباحی بر عمر ننگین خود بیافزاید.

اتحاد و همبستگی زنان، کارگران و زحمتکشان افغانی و ایرانی در راستای سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تنها راه برای رسیدن به جامعه ای است که عاری از ستم و استثمار و نژاد پرستی می باشد. ما از همه انسانهای آزادیخواه و مترقی می خواهیم که به دفاع از زحمتکشان افغانستانی در مقابل هجوم افسار گسیخته حاکمین مرتجع جمهوری اسلامی به آکسیون اعتراضی ما در روز شنبه 21 ژوئیه بپیوندند تا همراه هم بتوانیم به افشای هر چه بیشتر نژاد پرستی رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی بپردازیم.

زمان: شنبه 21 ژوئیه 2012 از ساعت 13 تا 15 مکان: Hammersmith Rd, W6 8BS 179-177

مقابل دفتر هواپیمائی جمهوری اسلامی، نزدیکترین آندرگراند: District Lines & Picadilly

سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان)- انگلستان

### فراخوان به تجمع اعتراضی در برابر سفارت جمهوری اسلامی

### در حمایت از حقوق شهروندان افغانستانی ساکن در ایران

شنبه ۱۴ جولای ۲۰۱۲ ساعت ۱۵ تا ۱۷

بگذارید این وطن رویایی باشد که رویاپروران در رویای

خویش داشته اند

بگذارید سرزمین بزرگ و پرتوان عشق شود

سرزمینی که در آن، نه شاهان بتوانند بی اعتنایی نشان دهند نه

ستمگران اسبابچینی کنند

تا هر انسانی را، آن که برتر از اوست از پا درآورد.

این وطن هرگز برای من وطن نبود. (لنگستون هیوز، ترجمه احمد شاملو)

چندی است که رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی به اشکال گوناگون و با بهانه های واهی به اقدامات سرکوبگرانه و نژادپرستانه ای علیه افغانستانی های ساکن شهرهای مختلف ایران دست زده است. یک روز ممنوعیت ورود به اماکن تفریحی و پارک ها، یک روز حمله به محل سکونت ایشان و شکنجه و توهین و آزار و به آتش کشیدن خانه های شان، یک روز ممنوعیت فروش مواد خوراکی و نیازهای اولیه ی زندگی و غیره. این سطح و شیوه ی سرکوب یادآور نسل کشی یهودیان توسط نازیسم هیتلری، آپارتاید ضد سیاه پوستان در آفریقای جنوبی و ایالات متحده ی آمریکا و



نژادپرستی صهیونیستی است.

دولت ایران در شرایطی دست به این اقدامات می زند که باز در یک بحران سیاسی حاد داخلی و بین المللی به سر می برد و چشم انداز یک شورش اجتماعی و قیام مردمی را انتظار می کشد، بنابراین با دست آویز قرار دادن مساله ی «حضور اتباع بیگانه» و «اقامت غیر قانونی» آن ها در ایران، سعی در فرافکنی بحران هایش دارد. سرکوب سیستماتیک در دانشگاه ها و مراکز آموزشی - فشار و تبعیض دائمی بر دختران و زنان - اعدام مردم عادی و فعالین سیاسی- سرکوب و اعدام فعالین سیاسی عرب و محاصره ی نظامی محله های عرب نشین - سرکوب ملل تحت ستم کرد و بلوچ و ... به بهانه ی تجزیه طلبی - یورش به نشست های کارگری و دستگیری کارگران و فعالین و اندیشمندان این جنبش و ... مواردی هستند که رژیم اسلامی در فرافکنی بحران هایش به آن ها دست می یازد. از دیگر سو می بینیم که دلالتان قدرت از اصلاح طلبان و سلطنت طلبان گرفته تا نیروهای سازش کار و جنگ طلب اپوزیسیون نیز، در نشست ها و کنفرانس های متعدد ترهای ورود دموکراسی به ایران و پایان سرکوب ها را فرموله می کنند. دخیل بستن به "خون پاک آریایی" و "ملی گرایی و وطن پرستی" از یک طرف و همراهی با طرح های قدرت های بزرگ برای دخالت بشردوستانه (بخوانید تایید دخالت خارجی و جنگ) از طرف دیگر خود را به وضوح نشان می دهند.

ما به عنوان بخشی از نیروهای سرنگونی طلب اپوزیسیون، نه با ملی گرایی و وطن پرستی پوچ سروکار داریم و نه با طرح های رنگارنگ قدرت های غربی. به نظر ما هر دوی این آلترناتیوها پوسیده و متعلق به دنیای کهن است. ما برای رهایی همه ی ستمدیده گان ایران و جهان مبارزه می کنیم و با صدای رسا می گوئیم که: افغانستانی های ساکن ایران، شهروندان قانونی و به حق این جهان و این زمین و ایران هستند. مطالبه ی تمامی حقوق و امکانات مورد نظر برای شهروندان، برای آنان از همین امروز و به تمامی یک ضرورت عاجل است. آنان جزئی از طبقه ی کارگر ایران می باشند، هم سرنوشت با طبقه ی کارگر و زحمتکشان ایران اعم از ترک و لر و کرد و فارس و عرب و ترکمن و بلوچ... این وظیفه ی تمام نیروهای پیش رو است که نیروی فروخورده و ستم کشیده ی زنان و مردان زحمتکش افغان را علیه رژیم جمهوری اسلامی، علیه مناسبات ضد انسانی و ظالمانه ی سرمایه بسیج و متحد و آگاه کند. پیوند انترناسیونالیستی ملل تحت ستم و تحت سلطه در ایران می تواند به نیروی عظیمی در مسیر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و در مسیر رهایی تبدیل شود. همه ی آزادی خواهان را دعوت می کنیم تا روز شنبه ۱۴ جولای ۲۰۱۲ بعد از ظهر در برابر سفارت رژیم اسلامی ایران حضور به هم رسانند.

شنبه ۱۴ جولای ۲۰۱۲  
مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران  
Franklin D. Rooseveltlaan 115, 1050  
Brussel

شورای دانش جویان و جوانان چپ - کمیته ی بلژیک

کمیته ی دفاع از مبارزات مردم ایران - بلژیک

سازمان زنان ۸ مارس (ایرانی - افغانستانی) - بلژیک

## گزارش و گزارش تصویری آکسیون اعتراضی 14 جولای در بروکسل در حمایت از حقوق شهروندان افغانستانی



### ساکنان ایران

این برنامه به ابتکار "کمیته‌ی دفاع از مبارزات مردم ایران- بلژیک، سازمان زنان 8 مارس- بلژیک، شورای جوانان و دانشجویان چپ- بلژیک" تدارک و برگزار شد. طبق اجازه‌ی پلیس از ساعت 15 در برابر سفارت ایران جمع شدیم. در ابتدای امر افسر پلیس مسئول ضمن هماهنگی با برگزارکنندگان تقاضا کرد که صدای سیستم صوتی را رعایت کنیم چون در غیر این صورت سفارت از آن‌ها شکایت خواهد کرد و ما پذیرفتیم ولی بعد از 10-15 دقیقه که ما پلاکاردها و بنرهایمان را آماده کرده و موزیک پخش می‌کردیم پلیس دوباره مراجعت کرد و خواهان برچیدن سیستم صوتی شد و علی‌رغم مخالفت قانونی و منطقی ما، تهدید به لغو اجازه‌ی آکسیون کرد؟! و ما ناچاراً بدون سیستم صوتی برنامه را آغاز کردیم. در هوای بسیار نامساعد و بارانی بروکسل جمعی از نیروهای مترقی و چپ بلژیکی گردآمده و فریاد حمایت خود از شهروندان افغانستانی ساکن ایران را سردادیم.

برنامه با خواندن فراخوان و توضیح اهداف این آکسیون شروع شد و به آکسیون‌های هم‌زمان در شهرهای کلن، برلین، لندن، هامبورگ، تورنتو و... نیز اشاره شد. شعارهایی در مخالفت با اقدامات فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی و در حمایت از مهاجران و شهروندان افغانستانی سرداده شد و سپس رفیق جوانی به بررسی 3 دهه حضور افغانستانی‌ها در ایران پرداخت و با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی!" سخن خود را به پایان برد. رفیق دیگری بر ضرورت همبستگی کارگران و زحمتکشان و خلق‌های تحت ستم با افغانستانی‌ها اشاره کرد و اینکه بحران‌های حاد بین‌المللی و داخلی رژیم ایران را به سمت اشکال جدیدی از سرکوب سوق می‌دهد و بسیج شدن بخش‌هایی از مردم در این سرکوب و جنایت یادآور دوران فاشیسم هیتلری است. پیامی از سوی "شمله سلیمان‌خیل" زن فعال سیاسی افغانستانی از

اعضای هئیت تحریریه نشریه روشنگر در اروپا قرائت شد که در بخش پایانی آن تاکید کرده بود که: «... ما مرز نمی شناسیم کارگران زحمتکش افغان بخشی از کارگران زحمتکش ایران هستند. دفاع از کارگران افغان در ایران دفاع از طبقه کارگر ایران است. به امید روزی که نه مرز باشد و نه نژاد پرستی و نه استعمار!»

با وجودی بدی هوا و نبود سیستم صوتی تلاش جمع کوچک ما این بود که پیام سیاسی بزرگمان را به گوشها برسانیم: «مرگ بر جمهوری اسلامی! - جمهوری اسلامی، فانوس رو به باد است! - جمهوری اسلامی، مرگت فرارسیده! - زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی! - دخالت خارجی، استبداد داخلی محکوم است! - اتحاد، مبارزه، پیروزی!...» و بخشی از پیاممان را نیز بر پلاکارهای سزخمان نوشته بودیم: «جمهوری اسلامی از هر جناح و دسته نابود باید گردد! - *Smash Fascism!* - ایران مدفن فاشیسم خواهد شد! - مرگ بر این رژیم زن ستیز! - نه به دخالت امپریالیستی در ایران! - انترناسیونال است نژاد انسانها! - *You can't have capitalism without! Racism* - هیچکس غیرقانونی نیست! - خلقهای تحت ستم ایران، متحد طبقاتی افغانستانیها! - اتحاد خلقهای تحت ستم، در برابر فاشیسم! - کُرد، عرب، بلوچ، تُرک، ترکمن، افغانستانی و... متحد در برابر سرمایه داری جمهوری اسلامی! - جدایی دین از دولت اولین گام رهایی زنان خاورمیانه! - اعدام اعراب، سرکوب افغانستانیها، زنان و کارگران حلقه های زنجیر سرکوب ملل! - انقلاب تنها راه رهایی!!...»

رفیق دیگری پرده از جنایات رژیم در خوزستان و اعدام و سرکوب اعراب برداشت و به ارتباط حلقه های زنجیر سرکوب خلقهای تحت ستم و شرایط خاص رژیم اشاره کرد. او همچنین تاکید داشت که در ماجرای سرکوب افغانستانیها در ایران نیز ستم بر زن، در مرکز اسلامیت جمهوری اسلامی قرار گرفته است و در پس این جنایت نیز باید سرکوب سیستماتیک زنان پوشیده بماند و زن ستیزترین حکومت معاصر ندای دفاع از زنان سر داده که مورد تجاوز قرار گرفتن "ناموس" ایرانیان باید دلیلی برای برافروختن "خشم ملی" بر علیه ملتی ستم دیده باشد!! و آنچه پوشیده میماند این است که منشا تمام این کثافات جمهوری اسلامی است، که ما امروز خواهان سرنگونی تمامیت این رژیم هستیم و... رفیق دیگری با ادامه ی نکات قبلی، به دستگیری کارگران و زندانی کردن فعالین کارگری اشاره کرد و تمام این موارد را بخشهایی از طرحهای سرکوبگرایی رژیم برای بقا شمرد.

و در پایان آکسیون را با امید به ادامه ی مبارزات با سردادن شعارهای سرنگونی رژیم ارتجاعی و فریاد همبستگی بینالمللی به پایان بردیم.

لینک کلیپی از برگرای این آکسیون در سایت یوتیوب و *De Wereld Morgen* با سپاس از همه دوستانی که صمیمانه و فروتنانه در تهیه آن یاری نمودند.

[www.youtube.com/watch?v=ysmyeU7p\\_bM&feature=plcp](http://www.youtube.com/watch?v=ysmyeU7p_bM&feature=plcp)

[www.dewereldmorgen.be/blogs/farzadm/2012/07/18/iraans-protest-tegen-behandeling-afghanen](http://www.dewereldmorgen.be/blogs/farzadm/2012/07/18/iraans-protest-tegen-behandeling-afghanen)

کمیته ی برگزرای آکسیون

[www.shorajevanan.com](http://www.shorajevanan.com)

[www.8mars.com](http://www.8mars.com)

[www.committeebe.blogspot.com](http://www.committeebe.blogspot.com)

[committe.2007@gmail.com](mailto:committe.2007@gmail.com)

گزارش تصویری:





### و چگونگی بخش کلیپ ها!

در تاریخ 14 ژوئیه 2012، در شهر تورنتو- کانادا تظاهراتی به دعوت و فراخوان ارگانها و نهادها، تشکل ها و احزاب و سازمانها و نشریات مدافع طبقه کارگر در ایران در ساعت 12 تا 2 بعد از ظهر برگزار گردید. در این تظاهرات نمایندگانی از احزاب و جریانات مختلف ایرانی و افغانستانی صحبت کردند و حملات فاشیستی جمهوری اسلامی حامی سرمایه و سرمایه داران به کارگرانی که به باور من، باید کارگران ایرانی افغانستانی تبار نامید، انجام گرفت. این کارگران را نباید دیگر با لفظ مهاجر و غیره خطاب کرد، زیرا که اکثریت آنها بیشتر از 30 سال است و برخی 40 سال که در آن جامعه کار کرده، آن جامعه را همراه کارگران متولد شده در ایران ساخته اند و حتا بسیاری از کسانی که امروز خودشان مورد تعرضات فاشیستی قرار گرفته و خانه و کاشانه شان آتش زده می شود و خود همراه پدر و مادرشان سوزانده می شوند، در ایران متولد شده اند. اگر کسی و کسانی باید گورشان را کم کنند، آنها سرمایه داران زالو صفت و دولت انسانکش اسلامی شان هستند که مانند بختکی بر کارگران و زحمتکشانشان افتاده اند و خونشان را به ارزش افزوده و سود تبدیل می کنند و همراه هزار مرگ و زهرمار می نوشند.

من هم بعنوان یک عضو از نهادهای همبستگی با کارگران در ایران\_ خارج کشور سخنانی در رابطه با این حملات فاشیستی بیان داشتم و نیز بیانیه و فراخوان نهادهای همبستگی... به زبان انگلیسی بوسیله یکی از جوانان عضو کمیته حمایت از جنبش کارگری ایران- تورنتو (رفیق شیرین) قرائت گردید. روز بعد از طرف رفیق حسین ارانی میلی را دریافت کردم که عکس ها و لینک های گفته های سخنرانان مختلف را درج کرده شده بود. زمانی که سخنرانی ها را گوش دادم، متوجه شدم که غیر از سخنان من و رفیق شیرین، سخنرانی انهای دیگر را تا جایی که من توانستم گوش کرده و درک کنم، کلن ضبط و فرستاده شده بودند. و اما، سخنرانی مرا به جز یک دقیقه و چند ثانیه و نیز چند ثانیه (16) و یا کمتر و زیادتیر اطلاعیه و یا بیانیه نهادها همبستگی... قطع (سانسور) شده بود. در تماس با رفیق حسین ارانی معلوم شد که کار فیلم برداری را اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران بر عهده داشته اند. برای من و با شناخت از عملکرد این حزب چندان جای سوالی باقی نماند. اکنون شما عزیزان کل صحبت های من و قرائت بیانیه نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور را می توانید در لینک های داده شده گوش دهید. قضاوت در باره چرایی حذف را بعد از گوش دادن با باور من، خودتان می توانید داشته باشید.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر. سرنگون باد رژیم سرمایه اسلامی (دولت نظامیان سرمایه) در ایران.

حمید قربانی

23 بولی 2012

قسمت اول سخنرانی- حمید قربانی

<http://www.youtube.com/watch?v=COYLDwU-77s&feature=context-gau>

قسمت دوم

[http://www.youtube.com/watch?v=qIPQfgyo\\_3U&feature=g-upl](http://www.youtube.com/watch?v=qIPQfgyo_3U&feature=g-upl)

بیانیه نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور، بوسیله رفیق شیرین یکی از اعضای جوان کمیته حمایت از جنبش کارگری ایران- تورنتو

<http://www.youtube.com/watch?v=dD609eq1Qrg&feature=g-upl>

# بی "دادنامه" شعبه 1083 دادگاه

## مجتمع کارکنان دولت،

## سندی بر پوشالی بودن "احکام"

## دستگاه قضایی در ضدیت با

## حقوق کارگران است!

در سند ضمیمه که تحت عنوان "دادنامه" از سوی شعبه 1083 دادگاه مجتمع کارکنان دولت - تهران علیه آقایان مرتضی کمساری، علی اکبر نظری و غلامرضا غلامحسینی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه صادر شده، در بخش "رأی دادگاه"، علاوه بر این که در ابتدا تصریح می شود که "بدون سابقه کیفری" هستند، مدعی می شود که ایشان "بدلیل ارتکاب جرایم امنیتی و احراز ارتباط سندیکای مذکور با مخالفین خارج از کشور، مدت مدیدی در بازداشت بوده اند!" در ابتدا در یک رأی رسمی حقوقی و "قانونی" با یک چنین تناقضی روبرو می شویم! ضمن این که معلوم نیست "جرایم امنیتی" اینان چیست غیر از این که در دفاع از حقوق و منافع خود و هم-طبقه‌ای‌هایشان، طبق قوانین داخلی و بین‌المللی در راستای احقاق حقوق حقه خود و جامعه کارگری حرکت می کنند که دولت قانون شکن و مسئولین فاقد صلاحیت با حمایت قوه قضائیه که خود مشوق قانون شکنی مسئولین اجرایی کشور است، کارگران زحمتکش و حق طلب را دچار مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی می نماید؟ و یا طبق کدام قانون یا حکمی ارتباط با مجامع بین‌المللی مدافع حقوق کارگران و یا نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران، تحت عنوان "مخالفین خارج از کشور" جرم است؟

در این رأی، سندیکا را "خود خوانده و غیر قانونی" اعلام کرده اند. اولاً مگر شما اساساً حقوقی برای کارگر و تشکلش قائل هستید که "خود خوانده" است؟ شما کدام تشکل مستقل را به رسمیت شناخته اید که این دومی‌اش باشد؟ طبیعی است در نظامی که کمترین حقوقی برای کارگران قائل نیست، کارگران خود متشکل شده و نیازی هم به ثبت تشکلشان در چنین دستگاه ضد کارگری ندارند. بعلاوه برای اولین بار است که یک سندیکای کارگری در ایران رسماً و طی یک رأی حقوقی بدون بیان هیچ استنادات و یا استدلالاتی "غیر قانونی" اعلام می شود. مقامات وزارت کار حتماً در مقابل نمایندگان

سازمان جهانی کار، مدعی آزادی تشکلات کارگری در ایران شده و هیچ جا از تشکلی غیر قانونی نام نبرده‌اند. حال طبق این سند به وضوح مشخص می‌شود که در چنین نظامی، قانون یعنی منافع سرمایه و لذا هر نوع حرکت، تجمع و تشکلی برخلاف "قانون" است و جزو "جرائم امنیتی" محسوب می‌شود! چون امنیت سرمایه و حاکمیت دیکتاتوری را تهدید می‌کند.

اما "جرم" اصلی و گناه کبیره این کارگران از این‌جا آغاز می‌شود: "اخیراً نام‌برندگان با سوءاستفاده از احکام بازگشت به کار صادره از ادارات کار و امور اجتماعی به تحرکات سابق ادامه داده و ... در همین‌جا مکثی کنیم؛ به خاطر داریم که در دوره اسارت این عزیزان، مدیر عامل کینه توز و ضد کارگر شرکت واحد، تحت عنوان "غیبت از کار"! آنان را از شرکت اخراج کرد. اما ایشان با مبارزه‌ای متحد و طولانی و با مراجعه مداوم به مراجع مربوطه، وزارت کار را مجبور نمودند که احکام بازگشت به کار تعدادی از اعضای هیئت مدیره سندیکا را صادر کنند. حال گویا در مقابل چنین "لطف و مرحمت و یا ترحمی" کارگران بازگشتی می‌بایست دست به سینه در خدمت جناب مدیر عامل بوده و دعاگوی ایشان باشند و مدح و ثنایش را بگویند، اما چون چنین نکرده و "به تحرکات سابق ادامه داده‌اند"، نمکدان شکن و قدرناشناسند و از احکام بازگشت سوءاستفاده کرده‌اند!!!

حال ببینیم این "تحرکات" چیست؟ "... و با چاپ کارت‌های ویزیت به شرح نمونه پیوست با تکرار ادعاهای قبلی مبنی بر "داشتن سندیکا حق مسلم کارگران است" اقدام به فعالیت تبلیغی به نفع سندیکا نموده و ... "چه گناه کبیره‌ای؟! سندیکا و هیئت مدیره‌ای که در مجمع عمومی 3 هزار نفره اعضایش انتخاب شدند، طبعاً نمایندگان واقعی کارگران و وکیل رسمی آنها در طرح و پیگیری مطالباتشان در مراجع مربوطه هستند و با انتشار این کارت و تأکید بر "داشتن سندیکا حق مسلم کارگران است"، علاوه بر انجام بخش کوچکی از وظایفشان، به طعنه به شما جیره خواران و رئیس جمهوری‌تان حالی کرده‌اند که انرژی هسته‌ای حق مسلمشان نیست، سندیکا حق مسلم کارگران است! رسیدگی و پیگیری مشکلات کارگران، یکی از وظایف مسئولین سندیکاست و انتشار این کارت و توزیع آن در میان کارگران شرکت واحد با دادن اسامی مسئولین و شماره تلفن آنها جهت مراجعه کارگران، تنها اقدامی در جهت تسهیل انجام این وظیفه سندیکایی است. اما "قضات" این بی‌دادگاه، ابلهانه این اقدام را مستمسک قرار داده و با ردیف کردن چندین ماده "قانونی" آن را به‌طور مضحک و مفتضحانه‌ای از مصادیق جرائم تظاهر و مداخله در امر وکالت (بزه مصرح در ماده 55 قانون وکالت) ... اعلام کرده و علاوه بر این‌که با استناد به موادی از قانون کار، تلویحاً این "تحرکات" را از نظر قوانین کار، "بلامانع" می‌نامد، اما از نظر قانون وکالت، آن را جرم نابخشودنی و "دخاله در امور وکالت" (حتماً در مراجعات به هیئت حل اختلاف) شمرده و با تکرار و تأکید چندین باره بر توزیع آن کارت ویزیت - که گویا سلاح گرمی برای براندازی رژیم است! - سرانجام با صغرا، کبرا کردن‌های طولانی "قانونی"، پیروزمندانه حکم مشعشعانه خود را صادر نموده و هر یک از سه نفر "متهمین" "بزه‌کار" را "به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت" محکوم می‌کند!



به روشنی پیداست که با چنین حکمی هدف "دادگاه" غیر از فشار و ارباب بیشتر بر کارگران، چیزی نیست بجز مقداری اخاذی و سرکیسه کردن کارگرانی که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، به سود کیسه خلیفه! زهی بی‌شرمی و وقاحت!

ما با انتشار این سند، ضمن افشای ماهیت ضد کارگری رژیم و "احکام" پوشالی "دادگاه" اش، اعلام می‌کنیم که این سند را به دادگاه‌های بین‌المللی و کمیسیون تشکلات کارگری سازمان جهانی کار ارائه داده و علیه این احکام و جمهوری اسلامی اقامه دعوا خواهیم کرد.

کمیسیون حقوقی نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

25 تیرماه 1391 - 15 ژوئیه 2012





دادگستری جمهوری اسلامی ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا آلَهُؤَي أَنْ تَغْدِلُوا»

شعبه ۱۰۸۳ دادگاه مجتمع کارکنان دولت-تهران

شماره دادنامه: ۹۰۰۹۹۷۰۲۳۰۶۰۰۰۶۲  
شماره پرونده: ۹۰۰۹۹۸۰۲۳۰۶۰۰۰۰۳  
شماره بایگانی شعبه: ۹۰۰۰۲۰  
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۰/۰۳/۰۷  
پیوست:

## دادنامه

تاریخ رسیدگی: ۹۰/۳/۷

شماره پرونده: ۹۰۰۹۹۸۰۲۳۰۶۰۰۰۰۳

شماره بایگانی: ۹۰۰۰۲۰

شماره دادنامه: ۹۰/۳/۷-۹۰۰۹۹۷۰۲۳۰۶۰۰۰۶۲

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزائی تهران ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت  
شاکی: شرکت اتوبوسرانی تهران به نشانی تهران-میدان رسالت-خ هنگام-ساختمان مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی  
تهران و حومه  
متهمین: آقایان مرتضی کمساری استاجی و علی اکبر نظری و غلامرضا غلامحسینی با وکالت آقای احسان مزین به  
نشانی تهران-خیابان سید جمال الدین اسد آبادی-خیابان دوم-پلاک ۱۱-واحد ۶  
اتهام: تظاهر و مداخله در امر وکالت دادگستری  
گردشگار: پس از ارجاع پرونده به این دادگاه و وصول به شعبه به کلاس فوق ثبت و پس از جری تشریفات قانونی  
دادگاه در وقت مقرر/ فوق العاده بتصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است با بررسی پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با  
استعانت از خداوند متعال بشرح ذیل مبادرت بصدور رای مینماید.

### (( رأی دادگاه ))

در این پرونده و حسب کیفرخواست صادره آقایان ۱-مرتضی کمساری استاجی فرزند محمد و ۲-علی اکبر نظری  
فرزند ابراهیم و ۳-غلامرضا غلامحسینی فرزند حسن همگی رانندگان شرکت واحد و بدون سابقه کیفری و با وکالت  
آقای احسان مزین متهمند به تظاهر و مداخله در امر وکالت دادگستری، با این توضیح که مدیرعامل شرکت واحد  
اتوبوسرانی تهران و حومه در مورخ ۸۹/۵/۳۰ طی شرحی خطاب به دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران اعلام  
داشته که متهمین فوق از اعضای **سندیکای خود خوانده و غیرقانونی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران** بوده که بدلیل  
ارتکاب جرایم امنیتی و احراز ارتباط سندیکای مذکور با **مخالفین خارج از کشور** مدت مدیدی در بازداشت بوده اند.  
اخیراً نامبردگان با سوءاستفاده از احکام بازگشت به کار صادره از ادارات کار و امور اجتماعی به تحرکات سابق ادامه  
داده و با چاپ کارتهای ویزیت به شرح نمونه پیوست با تکرار ادعاهای قبلی مبنی بر **((داشتن سندیکا حق مسلم  
کارگران است))** اقدام به فعالیت تبلیغی به نفع سندیکا نموده و خود را تحت عنوان گروه حقوقی کارگران، وکیل و  
مشاور حقوقی معرفی و بدین سان سعی دارند تا به هر نحو ممکن در درون قشر زحمتکش شرکت واحد نفوذ نموده و  
آنان را ترغیب به همسوئی با اهداف خاص خود نمایند، علیهذا اگرچه اقدام اخیر آنان در چاپ و توزیع کارتهای  
مذکور ممکن است از مصادیق جرایم تظاهر و مداخله در امر وکالت (بزه مصرح در ماده ۵۵ قانون وکالت) باشد...  
سپس با احضار نامبردگان اتهام موصوف تفهیم و نهایتاً با صدور کیفرخواست ارسال گردیده، با عنایت به اوراق و  
محتویات پرونده و اظهارات نماینده شاکی در جلسه دادرسی و همچنین مدافعات بعمل آمده از سوی متهمین و وکیل  
ایشان در بدو امر این طور به ذهن متبادر میگردد که با توجه به مواد ۱۵۷ و ۱۶۱ و ۱۶۴ از قانون کار و یا مواد متعددی

نشانی: تهران-خیابان انقلاب-خیابان قدس-روبروی خیابان پورسینا-مجتمع کارکنان دولت



دادگستری جمهوری اسلامی ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْدُلُوا»

شعبه ۱۰۸۳ دادگاه مجتمع کارکنان دولت - تهران

شماره دادنامه: ۹۰۰۹۹۷۰۲۳۰۶۰۰۰۶۲  
شماره پرونده: ۹۰۰۹۹۸۰۲۳۰۶۰۰۰۰۳  
شماره بایگانی شعبه: ۹۰۰۰۲۰  
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۰/۰۲/۰۷  
پیوست:

### دادنامه

از آیین نامه رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار، و تجویز حضور نمایندگان از سوی طرفین دعوی (کارفرما یا کارگر) مانع قانونی برای اقدامات نامبردگان نباشد اما ماده ۵۵ قانون وکالت از نظر این دادگاه با در نظر گرفتن اصول حقوقی و حتی تفسیر مضیق از قوانین جزایی بدین نحو قابل تفسیر است که این نوع تظاهر و مداخله با عناوینی همچون مشاوره حقوقی و یا وکالت همراه باشد و در مانحن فیه نامبردگان مبادرت به توزیع کارتهای ویزیت نموده اند که در آنها عناوین مشاوره - گروه حقوقی کارگران - وکالت - قبول وکالت امور کارگری در ادارات کار، به چشم می خورد که همین موضوع نوعی تظاهر و مداخله در امر وکالت و این دفاع که اقدامات نامبردگان در هیأت حل اختلاف محدود می شود هم بلاوجه است زیرا با توزیع این کارتها و مراجعه کارگران به نامبردگان رکن مادی این بزه تحقق پیدا نموده و در حقیقت حضور آنها بعنوان نماینده و یا وکیل در جلسات آن هیأت را نمی توان نافی ارتکاب بزه اخیر در قسمت اول قضیه دانست و به عبارت دیگر با توزیع کارت و مراجعه کارگران این تظاهر و مداخله در امر وکالت به عینیت رسیده است و حضور و یا عدم حضور بعدی در جلسات هیأت حل اختلاف هیچ تأثیری در قضیه نخواهد داشت لهذا با در نظر گرفتن جمیع جهات قانونی و دفاعیات غیرموجه متهمین و وکیل ایشان و قراین و امارات موجود بزهکاریشان محرز و مسلم بوده و مستنداً به ماده ۵۵ قانون وکالت و با لحاظ بند دوم از ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و آخرین تغییرات ابلاغی در سال ۸۹ هریک از نامبردگان به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم میگردد رأی صادره حضوری محسوب و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد. /ب

صدیقی

رئیس شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران ویژه کارکنان دولت

امضای تنظیم کننده

نشانی: تهران - خیابان انقلاب - خیابان قدس - روبروی خیابان پورسینا - مجتمع کارکنان دولت

**گفتگو با غلامرضا غلامحسینی، کارگزار خراجی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه**

**برنامه ای از مریم امانی و امیرجواهری**

گفتگو با غلامرضا غلامحسینی، که ناگزیر به تبعید گردید در افشاء ماهیت ضد کارگری رژیم و در رابطه با حکم پرونده ساخته شده برپایه سند منتشره از جانب ایشان در افشاء ماهیت ضد کارگری رژیم انجام گرفته و در رابطه با حکم پرونده ساخته شده برای او و همکارانش توسط شعبه ۱۰۸۳ دادگاه مجتمع کارکنان دولت - تهران و محکوم کردن غلامحسینی به «ارتکاب جرایم امنیتی و احراز ارتباط سندیکا با مخالفین خارج از کشور»

📌 **فایل صوتی به شیوه mp3**

# نهایت زیبونی و وحشت رژیم از تشکلات مستقل کارگری و فعالین آگاه و مبارز آن

چنانکه در سند ضمیمه ملاحظه می‌شود، پلیس امنیت و اطلاعات تهران بزرگ، طی گزارشی به معاونت امنیت دادستانی عمومی و انقلاب تهران، ضمن "غیر قانونی" خواندن سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (به چه دلیل، طبق کدام قانون، کدام حکم؟ معلوم نیست!) اعلام می‌دارد که آقای غلامرضا غلامحسینی (از اعضاء سندیکا)، به جرم حضور در سالن استادیوم 12 هزار نفری آزادی و قصد اختلال در آن دستگیر و روانه زندان اوین شد.

دستگاه پوشالی "امنیت" نظام، حتا از سایه کارگری که پس از 85 روز با سپردن وثیقه 100 میلیون تومانی از زندان آزاد شده، وحشت دارد و او را سایه به سایه تعقیب می‌کند و تنها به "جرم" قصد اختلال، بدون وجود موردی در اثبات اقدام به اختلال، وی را دستگیر و زندانی می‌کند. اما "جرم" بزرگتر او این است که پس از آزادی از زندان، طی مصاحبه‌ای، نه تنها محقانه از خود دفاع می‌کند، بلکه بی‌پروا و مستند برخی افراد (از جمله مزدوری به نام نجف‌زادگان از مأموران پلیس امنیت) و ارگان‌ها را زیر سؤال برده و اعلام می‌کند که برای کسب حقوق حقه خود به مراجع ذیصلاح شکایت خواهد کرد.

دستگاه "امنیت" از ابراز چنین شجاعتی و دادخواهی کارگران و عواقب آن چنان به وحشت می‌افتد که ابلهانه روزنامه کارگزاران را به‌عنوان مسبب این "فاجعه" در انتشار چنین مصاحبه‌ای که می‌تواند: "قطعاً در عضوگیری مجدد این گروه (منظور سندیکا است) مؤثر واقع شود" مورد بازخواست و اتهام قرار داده و از "معاونت محترم" استدعا می‌کند: "به‌منظور جلوگیری از هرگونه اقدامات غیر معقول وی (غلامحسینی) و همچنین عدم تکرار چنین مواردی در روزنامه مذکور، دستورات را مبذول دارند".

آیا این وحشت و زیبونی واقعی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را از شجاعت و تسلیم‌ناپذیری فعالین کارگری و تشکلاتشان را از تلاش برای اعاده حقوق‌شان نمی‌رساند که این چنین به دست و پا افتاده و حتا از انتشار مصاحبه‌شان این‌گونه می‌هراسند؟ کارگران ایران در مقابل پایمال شدن نابحق حقوق قانونی‌شان، یک لحظه از پای ننشسته و قهرمانانه علیه غارتگران نیروی کار و مدافعین جیره-

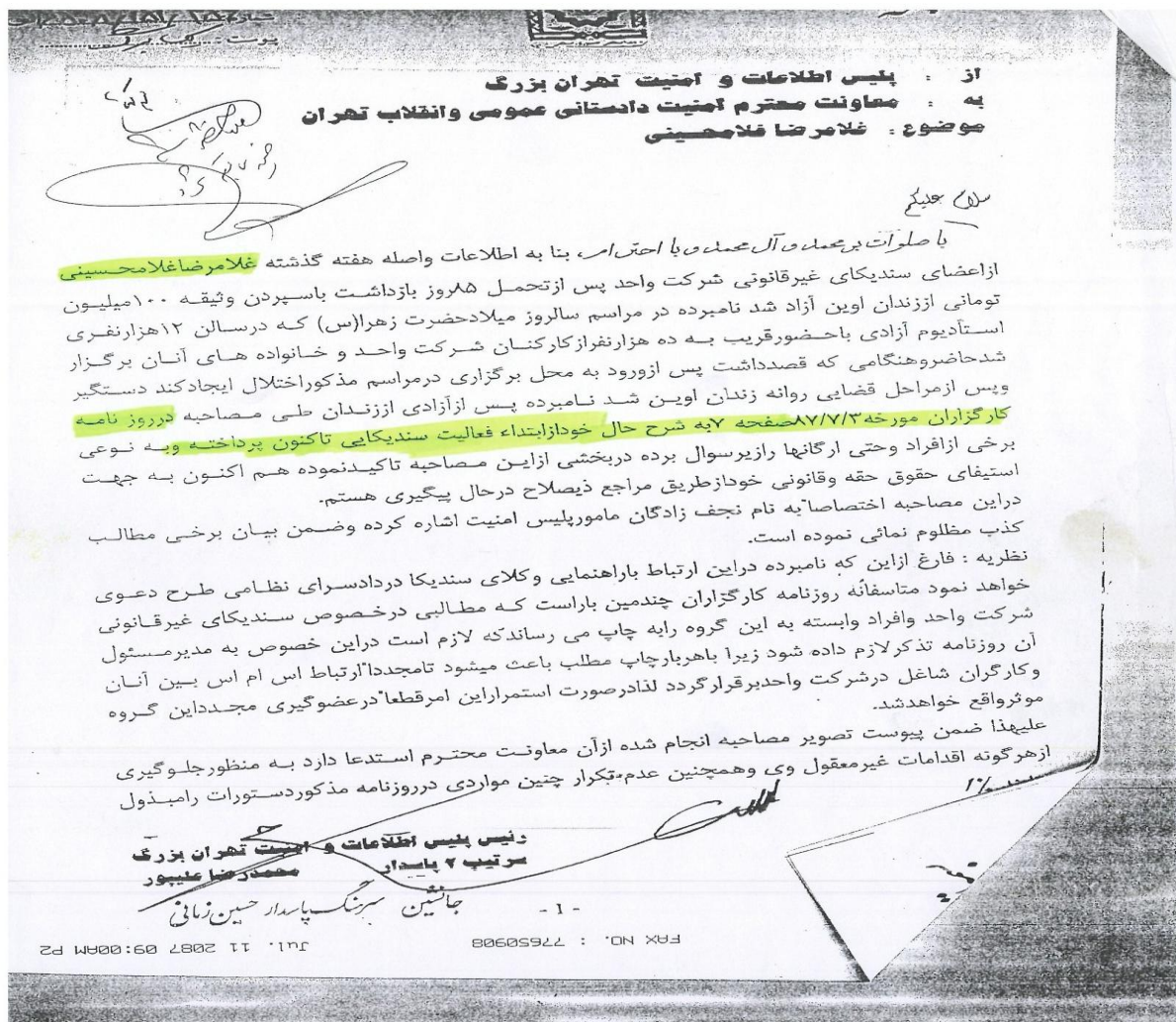
خوارشان مقاومت و مبارزه کرده و بی‌هراس از هرگونه ارباب و تهدید و پیگردی تا پیروزی نهایی به مبارزیشان ادامه می‌دهند.

ما با درود به کارگران آگاه و مبارز و در دفاع از حقانیت آن‌ها و همبستگی طبقاتی‌مان به‌عنوان شاکی عمومی این سند را نیز به مراجع بین‌المللی ارائه خواهیم داد.

کمیسیون حقوقی نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

4 مرداد 1391 - 25 ژوئیه 2012

تأکیدات و توضیحات در پرائنرها از ماست



بازتکنیر: نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

<http://iran-worker.blogspot.de/>

# دستگیری کارگران موقوف!



آزادی فوری و بی قید و شرط  
کارگران زندانی،  
تمامی زندانیان سیاسی!

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

<http://iran-worker.blogspot.de/>